

فرایند شکل‌گیری مدارس دخترانه مازندران (۱۲۸۵-۱۳۰۴ش)

علی اکبر عنایتی^۱

عطاء الله حسنی^۲

محمد علی اکبری^۳

چکیده: در پی تحولات سیاسی و اجتماعی سال‌های پایانی عصر قاجار، مسائل مربوط به زنان و دختران، از جمله وضعیت آموزش، نوع پوشش، سن کم ازدواج و تعدد زوجات، مورد توجه نخبگان و فعالان عرصه‌های اجتماعی قرار گرفت. آموزش دختران که به صورت مکتب خانه‌ای جریان داشت، سهم اندکی در تعلیم و تربیت دختران عهده‌دار بود. همین امر موجب شد تا برخی زنان فعال اجتماعی در پی تأسیس مدارس نوین دخترانه برآیند. در این پژوهش تلاش شده است تا با استفاده از اسناد و منابع اصلی، بهویژه بهره‌مندی از اسناد آرشیوی، سیر تاریخی تأسیس مدارس دخترانه مازندران از انقلاب مشروطه تا پایان حکومت قاجار بازآفرینی شود. در مازندران عصر قاجار، زنانی چون ملوک کیا در بارفروش (بابل امروزی) و فاطمه و کیلی در ساری، در زمینه تأسیس مدارس دخترانه مازندران پیش رو بودند و پیدایش این گونه مدارس مرهون تلاش‌های آنان است. این مدارس در افزایش نقش زنان و دختران در فعالیت‌های علمی و اجتماعی سهم بسزایی داشته است.

واژه‌های کلیدی: ایران، مازندران، آموزش نوین، مدارس دخترانه، بارفروش، ساری

۱ دانشجوی دوره دکتری تاریخ ایران، واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
a.enayati1351@gmail.com

۲ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)
a_hassani5@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۰۲ تاریخ تأیید: ۹۸/۱۱/۲۷

۳ استاد گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی تهران.
Akbari_39@yahoo.com

Girls' School Establishment in Mazandaran (1906 – 1925)

Ali Akbar Enayati¹

Ataollah Hassani²

Abstract: Following late Qajar era political and social changes, problems related to women and girls, especially those related to education, dress code, teenage marriage, and polygamy, were noticed by the elite and activists who were involved in social issues. Educating girls which was mainly on the basis of basic religious subjects, hardly contributed to the girls education in Iran at that time. Because of this, some women active in social affairs, tried to establish modern girls' schools in Iran. In this study the researcher tries to represent the historical girls' school establishment process in Mazandaran by examining primary sources from "constitutional revolution" to the end of Qajar dynasty. In Mazandaran of Qajar era, some women such as Molouk Kia in Barforoosh (today called Babol) and Fatemeh Vakili in Sari pioneered to establish the first girls' school in Mazandaran. These schools have greatly contributed to the increasing play of role by women and girls in scientific and social activities.

Keywords: Iran, Mazandaran, Modern education, Schools for girls, Barforoosh, Sari

¹ Ph.D. student in Persian history at the Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran.
a.enayati1351@gmail.com

² Associate Professor, History Department, Shahid Beheshti University, (Corresponding Author) Tehrana hassani5@yahoo.com

مقدمه

حکومت‌های ایرانی در طول تاریخ پر فراز و نشیب این سرزمین، در جنگ با دشمنان، بارها پیروزی یا شکست را تجربه کرده‌اند، اما شکست قاجاریه در برابر مهاجمان روسی نقطه‌عطفی بود که آنان را در مقام پرسش از علت امر، به مطالعهٔ تطبیقی ساختار نظامی ایران و اروپا واداشت. چند سالی پیشتر، عثمانیان در پی شکست‌های مکرر از روسیه (۱۷۸۹-۱۷۹۲م) به همین نتیجه رسیده بودند و نسبت به جایگزینی «نظام جدید» با ساختار کهن یعنی چری، اقدامات پرهزینه و خشونت‌باری را آغاز کردند.

حرکت اصلاحی «نظام جدید» در اواخر سلطنت فتحعلی‌شاه و دوران محمدشاه با محوریت «آموزش» نظامی، زمینهٔ مساعدی برای توجه ایرانیان به علوم جدید فراهم آورد و در دورهٔ ناصرالدین‌شاه تأسیس «دارالفنون» و به دنبال آن «مدارس جدید» را موجب شد. در سال‌های نزدیک به انقلاب مشروطه، تأسیس مدارس روند سریع‌تری پیدا کرد و در تهران و شهرهای مهم ایران مدارس جدیدی تشکیل شد. شکل‌گیری، تداوم و تثیت نظام نوین آموزشی با موانع بسیاری که به طور عمده از حوادث متعدد سیاسی، سخت‌گیری‌های مذهبی و تعصبات دینی و مشکلات اقتصادی نشأت می‌گرفت، روبرو بود. این موانع بسیاری از مدارس نوین را پس از مدت کوتاهی به تعطیلی کشاند، اما نتوانست مانع اثربخشی آنها در نظام اجتماعی آن روزگار ایران شود.

سرآغاز تأسیس مدارس دخترانه در ایران، اوایل سلطنت محمدشاه قاجار و توسط میسیونرهای آمریکایی در ارومیه بود. در ۱۳۲۱ق/۱۲۸۲ش، «طوبی رشیدیه» نخستین مدرسه دخترانه را به نام «پرورش» تأسیس کرد. پیش از این، تمام مدارس دخترانه به گروه‌های مبلغ مذهبی و اقلیت‌های دینی تعلق داشت. مدرسهٔ پرورش تنها پس از چهار روز فعالیت به تعطیلی انجامید. «بی‌بی خانم استرآبادی» از دیگر زنانی بود که برای آموزش دختران، به گشایش مدرسه‌ای دخترانه به نام «دوشیز گان ایران» اقدام کرد.

تحقیق حاضر، در صدد بررسی چگونگی شکل‌گیری مدارس دختران در مازندران است. در زمینهٔ تاریخ مدارس مازندران، تحقیقات متعددی صورت گرفته که در برخی از آنها به تأسیس مدارس دخترانه اشاراتی شده، اما هنوز پژوهشی دربارهٔ مدارس دختران مازندران

به شکل مستقل انجام نیافته است. این پژوهش با استفاده از منابع مختلف، از جمله اسناد تاریخی مدارس مازندران نگارش شده است.

اسماعیل مهجوری مؤلف کتاب تاریخ مازندران از نخستین معلمان شهر ساری و از پیشگامان تاریخ‌نگاری آموزش و پرورش مازندران است. بخش‌های مربوط به سال‌های پس از انقلاب مشروطه در جلد دوم این کتاب، معترض‌ترین منبع تاریخ‌نگاری معاصر مازندران است؛ زیرا مورخ خود در این زمانه زندگی کرده و بسیاری از حوادث را دیده یا شنیده است. او در صفحاتی از جلد دوم، به چگونگی شکل‌گیری نخستین مدارس مازندران پرداخته، اما کمترین اشاره‌ای به تأسیس مدارس دخترانه نکرده است. مهجوری در مقاله «تاریخچه فرهنگ ساری» به صورتی گذرا به افتتاح نخستین مدرسه دخترانه ساری اشاره کرده، ولی در بیان تاریخ تأسیس مدرسه دچار اشتباه شده است. اقبال قاسمی پویا نیز در بخشی از کتاب مدارس جدید در دوره قاجاریه، گزارشی کوتاه درباره شکل‌گیری مدارس مازندران ارائه کرده و کمتر به مدرسه‌های دخترانه پرداخته است. «سلی شاهور» در بخشی از کتاب مدارس فراموش شده که در ۲۰۱۳ م به چاپ رسیده، به معرفی نخستین مدارس جدید مازندران پرداخته، اما او نیز درباره مدارس دخترانه به اختصار نوشته و از آن گذر کرده است. بخشی از کتاب بابل شهر بیهار نارنج به پیشینه آموزشی و پرورشی جدید در بابل اختصاص یافته است. این پژوهش را محمد‌شکری فومنشی به رشتۀ تحریر درآورد. همچنین شهرام قلی‌پور گودرزی و یوسف الهی در کتاب تاریخ آموزش و پرورش بابل و بندهای به چگونگی شکل‌گیری مدارس جدید این شهرستان پرداخته‌اند. این کتاب نیز حاوی اطلاعات خوبی درباره مدارس دخترانه بابل است. در هر دو پژوهش اخیر، از همه اسناد بهره نبرده‌اند. نگارنده سعی کرده با استفاده از اسناد نویافته مدارس بارفروش (بابل)، اطلاعات پیشین را تکمیل کند. در کتاب ساری کهنس شهر مازندران، مقاله‌ای با عنوان «تاریخچه آموزشی ساری» به قلم حسین اعتمادزاده و علیرضا طالبی شلیمکی آمده است. پژوهشگران در این کتاب از منابع و اسناد بهره برده‌اند و نوشتۀ آنها حاوی اطلاعات مفیدی در زمینه مدرسه دخترانه ساری است. همچنین پژوهش منتشر نشده از محمدباقر اعتصامی با عنوان «تاریخ آموزش و پرورش رسمی مازندران» به اجمال نگاهی به سیر تشکیل مدارس مازندران دارد. در این پژوهش با وجود آنکه

پژوهشگر سعی کرده چگونگی تأسیس مدارس جدید را در همه شهرهای استان بررسی کند، اما از مدارس دختران غفلت ورزیده و به صورت کوتاه بدان‌ها اشاره کرده است. کتابی نیز از نگارنده مقاله حاضر در مجموعه ساری‌پژوهی با نام مدارس جدید ساری در عصر قاجار منتشر شده است.

مشکل عمدۀ این تحقیق، کمبود منابع و بهویژه اسناد آرشیوی است. این مشکل درباره مدارس دخترانه بارفروش بیشتر بوده و متأسفانه! این نقص ما را از دست یافتن به وضعیت روشنه درباره چگونگی تأسیس مدارس دختران و شرایط تعلیم و تربیت آنان محروم می‌سازد. امید است با به دست آمدن اسناد جدید بتوان ابهامات موجود را در پیدايش و ادامه حیات مدارس دخترانه عصر قاجار مازندران برطرف ساخت.

نخستین مدارس به سبک جدید در مازندران

پس از میرزا تقی‌خان امیرکبیر، میرزا حسن رشیدیه اولین کسی بود که برای تغییر نظام سنتی تعلیم و تربیت در ایران اقدام کرد. وی نخستین مدرسه ایرانی را در ۱۳۰۵ق/۱۲۶۷ش. در محله خیابان شهر تبریز تأسیس کرد. البته اقدام او واکنش بخش مذهبی و متعصب شهر را در پی داشت، اما او را در انجام کارش مصمم‌تر ساخت. وی بعدها در تهران مدرسه رشیدیه را تأسیس کرد (رشیدیه، ۱۳۶۲: ۲۴). پس از آن به تدریج در تهران و سایر شهرهای ایران مدارس دیگری نیز افتتاح شد؛ به‌طوری که در ۱۳۱۹ق/۱۲۸۰ش. حدود هفده مدرسه ابتدایی ملی (خصوصی یا غیردولتی) به سبک جدید دایر شد (ترابی فارسانی، ۱۳۷۸: سیزده). نخستین مدرسه دخترانه ایران به سال ۱۳۲۱ق/۱۲۸۲ش. در تهران و به مدیریت طوبی رشیدیه به نام مدرسه پرورش تأسیس شد (رشیدیه، ۱۳۶۲: ۱۴۸).

تا سال ۱۳۲۸ق/۱۲۸۹ش. از طرف دولت توجیهی به امور آموزش کشور نشده بود. در ۲۷ شعبان همان سال مجلس شورای ملی قانون اداری وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه را تصویب کرد و رسیدگی به امور تمام مدارس و آموزش کشور بر عهده این وزارت‌خانه نهاده شد. در ۲۶ رمضان ۱۳۲۹/۱۲۹۰ش. مجلس شورای ملی طی قانونی وزارت معارف را مکلف کرد تا نهاده مدرسه ابتدایی شش کلاسه در شهرهای تهران (پنج

مدرسه)، مشهد، شیراز، تبریز و کرمان تأسیس کند. همچنین براساس قانون اساسی معارف کشور که در دهم ذی قعده ۱۳۲۹/۱۲۹۰ ش. به تصویب رسید، آموزش ابتدایی برای همه ایرانیان اجباری شد و همه اتباع ایرانی مکلف شدند فرزندان خود را از هفت سالگی برای تحصیل به مدرسه بفرستند (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۸: ۱/۴۰۹).

از نخستین سال‌های سلطنت مظفر الدین شاه، برای تأسیس مدارس جدید در شهرهای ساری و بارفروش اقداماتی به عمل آمد. به سعی و تلاش معین‌الدوله حاکم مازندران، در ۱۳۱۸ق/۱۲۷۹ ش. مدرسهٔ جدیدی در ساری دایر شد و سی نفر از فرزندان شاهزادگان و بزرگان شهر در آن مشغول به تحصیل شدند. مدیر مدرسهٔ میرزا عباس‌خان ادیب و تدریس دانش‌آموزان بر عهدهٔ محمد یوسف میرزا پزشک مخصوص معین‌الدوله بود (حبل‌المتین، ۱۳ جمادی‌الثانی ۱۳۱۸: ۱۸-۱۷). مقارن با انقلاب مشروطه و در اواخر سال ۱۳۲۴ق/۱۲۸۵ ش. لطفعلی‌خان سالار مکرم مدرسه‌ای به نام «سalarیه» در ساری تأسیس کرد. این مدرسه پس از چند ماه فعالیت بر اثر قطع کمک‌های مالی لطفعلی‌خان سالار مکرم تعطیل شد. پس از بسته شدن مدرسه سalarیه، مدارس دیگری چون «حقیقت» به همت سید حسین مقدس، «مصطفوی» به یاری سید میرزا علی عمامدی مجتبه و میرزا غلام‌حسین‌خان ایرانپور و «تأیید» از سوی سید حسین مقدس و با حمایت امیر مؤید سوادکوهی در ساری دایر شد که هر یک به واسطهٔ حوادث سیاسی مختلف به تعطیلی کشیده شدند. در ۱۳۳۰ق/۱۲۹۱ ش. مدرسه‌ای به نام «نصرت احمدی» در ساری افتتاح شد و مدرسهٔ تأیید نیز در ۱۳۳۵ق/۱۲۹۶ ش. دوباره بازگشایی شد (مهرجویی، ۱۳۳۹: ۲۳؛ همو، ۱۳۴۵: ۲۳۱/۲).

آقا حسن بادکوبه‌ای تاجر بارفروشی، در ۱۳۱۷ق/۱۲۷۸ ش. به فرمان علاء‌الدوله، مجلس قرائت مظفریه را که «نمونهٔ مدرسهٔ جدیده می‌باشد»، در شهر بارفروش تشکیل داد (حبل‌المتین، ۱۳ جمادی‌الثانی ۱۳۱۸: ۱۷). همچنین به سال ۱۳۲۳ق/۱۲۸۴ ش. به سعی حسن بادکوبه‌ای، ملا محمدجان علامه، میرزا محمدعلی معین‌التجار، حاج محمد تقی شاهروdi، میرزا عبدالغنى و با حمایت شاهزاده حسینقلی میرزا اعظم‌السلطنه حاکم وقت بارفروش، مدرسه‌ای به نام «اعظامیه» تأسیس شد. در ۱۳۲۴ق/۱۲۸۵ ش. مدرسه «مبارکه وطن» یا «نوریه» و در ۱۳۳۰ق/۱۲۹۱ ش.

مدرسه «سعادت عمومیه» شعبه تربیت در این شهر افتتاح شد. در ۱۳۳۱ق/۱۲۹۲ش. روس‌ها مدرسه‌ای به نام مدرسه «مبارکه بارفروش ایرانی و روس» تأسیس کردند. نخستین مدرسه دخترانه مازندران در ۱۳۳۲ق/۱۲۹۲ش. در بارفروش با نام «بنات» افتتاح شد. پس از یک سال عبدالحسین خان امیر منتخب، آن را به نام همسر خود شکوه‌الزمان «شکوهیه» نامید (شکری فومنشی، ۱۳۷۹: ۳۱۲).

در شهر آمل به سال ۱۳۲۳ق/۱۲۸۴ش. سید حسن نیاکی و سید مسلم عقیلی نیاکی دبستان ملی سه کلاسه‌ای تأسیس کردند. در ۱۳۲۹ق/۱۲۹۰ش. نیز مدرسه دیگری به نام دبستان ملی-اسلامی در این شهر افتتاح شد (علامه، ۱۳۲۸: ۲۱؛ اعتصامی، ۱۳۷۵: ۱۴۱/۱).

علاوه بر مدارسی که بدان‌ها به صورت کوتاه اشاره شد، تا پایان عصر قاجار مدارس دیگری نیز در مازندران تأسیس شد؛ از قبیل مدرسه «جلیلیه» در رکابدار کلای ساری؛ «نظمیه»، «اسلامیه»، «شرافت»، «حافظیه»، «عفتیه»، «سپهر»، «عصمتیه»، «اناث»، «مصطفی» و «راستی» در بارفروش؛ «احمدی» در مشهدسر (بابسر)؛ «شرافت» در آمل؛ «شهامت» در کلاردشت و بلده؛ و «شرافت» در کجور لاشک نوشهر؛ «سنایی» در خرم‌آباد؛ «سعادت و شهامت» در تنکابن (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۴۳۱).

نخستین مدارس دخترانه مازندران

تا پیش از انقلاب مشروطه، مسئولیت تعلیم و تربیت کودکان به ویژه دختران بر عهده خانواده بود. استفاده از معلم سرخانه در میان شاهزادگان و اعیان و اشراف رواج داشت؛ دیگران نیز کودکان خود را به مکتب خانه‌ها می‌سپردند (انصاف‌پور، ۱۳۶۳: ۱۴۱). زنان در محیط شهری کمتر با بیرون از خانه ارتباط داشتند. عقیده عمومی بر اطاعت مطلق زن از شوهر قرار داشت. بنابراین دختر را برای اطاعت از شوهر، تولید نسل و نگهداری فرزندان تربیت می‌کردند. از نگاه جامعه عصر قاجاری، این وظیفه طبیعی و شرعی دختران بود (شمیم، ۱۳۷۵: ۳۷۰). بدین ترتیب دختران نیز همچون مادران خود در خانه روزگار به سر می‌آوردند و تربیت آنها در همان محیط شکل می‌گرفت. در شهرها و روستاهای ملاجی‌ها در مکتب خانه‌ها به آموزش خواندن و نوشتن، قرآن و شرعیات می‌پرداختند. بیشتر دختران جامعه مراتب بالاتر علمی را طی نمی‌کردند و خانه‌نشین می‌شدند. تنها

دختران طبقه فرادست جامعه می‌توانستند تا حدودی به ادامه تحصیل پردازند (مستوفی، ۱۳۴۳: ۷۱۱/۱؛ تاج‌السلطنه، ۱۳۷۱: ۹۰).

روش‌های سنتی آموزش مکتب خانه‌ای توأم با انواع کتک زدن و به فلک بستن کودکان، بسیار ناکارآمد بود. برخی متفکران و روشنفکران چون میرزا فتحعلی آخوندزاده این روش‌ها را مورد نقد قرار دادند (نصری، ۱۳۹۰: ۹۹/۱). به تدریج نخبگان تحت تأثیر مغرب‌زمین متوجه آموزش و پرورش جدید شدند. میرزا یوسف‌خان مستشار‌الدوله در رسالته یک کلمه آن را یکی از اصول حقوق عامه دانسته است (عامری، ۱۳۹۴: ۱۰۰). تلاش‌های روشنفکران با الگوبرداری از تجربه مدارس اروپایی، به تأسیس مدارس دخترانه منجر شد. این اتفاق در عصری رخ داد که بیرون رفتن دختران از خانه به هر دلیلی نزد عموم مردم غیرقابل قبول بود (ترابی فارسانی، ۱۳۷۸: دوازده).

نخستین مدرسه دخترانه با نام پرورش در ۱۳۲۱ق/۱۳۸۲ش. توسط طوبی‌رشدیه تأسیس شد. چهار روز پس از افتتاح، مأموران دولتی تابلو مدرسه را با فحش و تهدید برداشتند و مدرسه را منحل کردند (رشدیه، ۱۳۶۲: ۱۴۸). در ۱۳۲۴ق/۱۲۸۵ش. بی‌خانم استرآبادی (وزیراف) به تأسیس مدرسه دخترانه ملی دوشیزگان در تهران همت گماشت. این مدرسه نیز با مخالفت شدیدی روبرو شد و حتی عده‌ای در صدد ویران ساختن ساختمان آن برآمدند (ترابی فارسانی، ۱۳۷۸: سیزده). با وجود این مخالفت‌ها، تلاش زنان نوگرا برای به دست آوردن و برخورداری دختران و زنان از آموزش نوین بیشتر شد. زنان با برپایی یک گردهمایی بزرگ در زمستان ۱۳۲۵ق/۱۲۸۶ش. در تهران، بر تأسیس مدارس دخترانه تأکید کردند (باغدار دلگشا، ۱۳۹۷: ۶۷). تا پیروزی انقلاب مشروطه، هیچ مدرسه دخترانه‌ای اجازه تأسیس نیافت، اما پس از آن فرصت ایجاد این گونه مدارس فراهم شد. در ۱۳۲۶ق/۱۲۸۷ش. «طوبی آزموده» به یاری میرزا حسن رشدیه مدرسه دخترانه «ناموس» را در خیابان شاهپور، نزدیک چهارراه حسن‌آباد افتتاح کرد (رشدیه، ۱۳۶۲: ۱۴۸؛ وطن‌دوست و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۹).

برای شکل‌گیری و توسعه مدارس دخترانه موانع متعدد اجتماعی، مذهبی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی وجود داشت. مخالفت‌های بخش سنتی جامعه سدی بزرگ بر سر راه مدارس دخترانه بود. تصور عمومی این بود که آشنایی زنان و دختران با مظاهر تمدنی

جدید، با دین‌داری، ایفای نقش همسری و مادری و در نتیجه حفظ سلامت اخلاقی جامعه در تضاد است و آنها را به مخاطره می‌اندازد (میرهادی، ۱۳۹۳: ۹۹). هنگامی که تأسیس مدارس دخترانه مخالف با شرع مذهب تشیع و اسلام معرفی شد، کمتر کسی حاضر می‌شد خانه‌اش را برای تأسیس مدرسه اجاره دهد؛ زیرا مدرسه دخترانه را خانه فساد می‌پندشتند. مخالفان تابلو مدارس را سنگباران می‌کردند و یا دسته‌های اراذل و اویاش یا دیوانگان را تحریک می‌کردند تا در امنیت اجتماعی دختران و معلمان مدارس اخلاق ایجاد کنند (ترابی فارسانی، ۱۳۷۸: چهارده). بنیان‌گذاران مدارس دخترانه برای تعدیل نگاه جامعه سنتی عصر قاجار نسبت به آموزش دختران، سعی کردند دست به اقداماتی بزنند تا از نظر فرهنگ عمومی و باورهای مذهبی مورد قبول واقع شوند. از جمله، یکی از مدیران مقرر کرد که در تمام کلاس‌ها قرآن و کتاب‌های مذهبی تدریس شود و سالی چند روز در محل مدرسه مجلس روضه‌خوانی برپا شود. همچنین بنیان مدارس دخترانه با انتخاب نام‌هایی چون ناموس، عفاف، تربیت، حجاب، مخدرات اسلامیه، عفتیه، تقدیس و مسطورات برای مدارس خود، سعی کردند تا اطمینان و اعتماد جامعه را به دست آورند (همان، چهارده و پانزده).

پس از گذشت یک دهه از شکل‌گیری مدارس جدید در مازندران که برای تعلیم و تربیت پسران افتتاح شده بودند، به تدریج فعالان فرهنگی و اجتماعی به فکر تأسیس مدرسه دخترانه در شهرهای بارفروش و ساری افتادند. وضعیت نابسامان تعلیم و تربیت و محدودیت‌های اجتماعی زنان، از علل تأخیر در تأسیس مدارس دخترانه بود (سالنامه آموزش و پرورش بابل، ۱۳۴۴: ۲۷). ابتدا در ۱۳۳۲ق/۱۲۹۲ش. مدرسه بنات در بارفروش به عنوان نخستین مدرسه دخترانه مازندران تأسیس شد. سپس مدارس دیگری در این شهر تا سال ۱۳۳۷ق/۱۲۹۸ش. بنیان‌گذاری شد که عبارت بودند از: شکوهیه، اناشیه، عصمتیه و عفتیه. نخستین مدرسه دخترانه ساری نیز در سال ۱۳۳۹ق/۱۳۰۰ش. به نام مدرسه تربیت بنات گشایش یافت.

مدرسه دخترانه بنات بارفروش

در بارفروش پیش از پیدایش مدارس دخترانه به شیوهٔ نوین، آموزش دختران در

مکتب خانه‌ها انجام می‌گرفت. براساس ورقه احصاییه مدارس بارفروش، سه مکتب خانه برای آموزش دختران در سالهای ۱۳۱۰/۱۲۷۲، ۱۳۲۶/۱۲۸۷، ۱۳۳۰/۱۲۹۱ ش. و همچنان آموزش مکتب خانه‌ای رواج داشت و تا سال ۱۳۴۲/۱۳۰۲ ش. تعداد نه مکتب خانه دیگر در این شهر دایر شد. این مکتب خانه‌ها به آموزش دختران پنج تا شانزده ساله می‌پرداختند (ساکما، ۱۱۲-۲۹۷).

نخستین مدرسه دخترانه بارفروش به نام مدرسه بنات در محرم ۱۳۳۲/۱۲۹۲ ش. در «لر محله» بارفروش توسط یک کمیته تأسیس شد. نام اعضای کمیته مؤسس مدرسه، بر ما پوشیده است. مدیریت مدرسه نیز به عهده هیئت کمیته مدرسه بود. از این رو ضروری بود که اعضای کمیته از زنان تحصیل کرده شهر بارفروش بوده و یا دست کم بیشتر اعضای کمیته را زنان تشکیل داده باشند. مکان مدرسه در محله بهایی نشین شهر (لر محله) واقع بوده، شاید مدرسه بنات وابسته به بهاییان بارفروش بوده باشد. البته در این محله، مدرسه پسرانه‌ای در سال ۱۳۳۰/۱۲۹۰ ش. به نام مدرسه سعادت عمومیه شعبه تربیت تأسیس شده بود که وابستگی به بهاییان داشت (قلی پور گودرزی و الهی، ۱۳۹۳: ۶۷). نخستین مدرسه تربیت بنات که وابسته به بهاییان بود، در سال ۱۳۲۹/۱۲۸۹ ش. در تهران تأسیس شد (ثابت، ۱۳۷۵: ۸۷). بدین ترتیب شاید این مدرسه دخترانه که پس از مدرسه دخترانه تربیت بنات تهران و در محله‌ای بهایی نشین تأسیس شده، متعلق به بهاییان بوده باشد؛ هر چند که سندي مبنی بر ارتباط این دو مدرسه و یا ارتباط مدرسه بنات بارفروش با بهاییان به دست نیامده است.

در ورقه احصاییه مدرسه مربوط به سال ۱۳۳۳/۱۲۹۴ ش، قمرخانم دختر آقا میرزا غلامحسین تاجر بارفروش، به عنوان ناظم مدرسه معرفی شده است. او با معلومات ابتدایی فارسی و عربی، تدریس کلاس دوم را به عهده داشته است. او که به هنگام تکمیل ورقه احصاییه ۲۲ ساله بوده، در بارفروش تحصیل کرده و برای ادامه تحصیل به تهران عزیمت کرده بود. معلم دیگر مدرسه، قمرخانم دختر آقا سید محمد رضا مازندرانی بوده که در کلاس اول ابتدایی به تدریس دختران بارفروش مشغول بوده است. او نیز با بیست سال سن در شهر بارفروش تحصیل کرده بود. در ۱۳۳۳/۱۲۹۴ ش. این مدرسه دو کلاسه در یک

اتفاق با ۲۶ دانشآموز به کار تعلیم و تربیت می‌پرداخت؛ در حالی که خرج ماهانه مدرسه بیشتر از دریافتی‌های مدرسه بوده است. مؤسسان نیز ده نفر از دانشآموزان را به رایگان پذیرفته بودند و شهریه‌ای از آنان دریافت نمی‌کردند. از باقی دانشآموزان دو تا پنج قران شهریه ماهانه گرفته می‌شد. مواد درسی و کتاب‌هایی که در مدرسه بنات تدریس می‌شد، شامل قرآن، جغرافی، شرعیات، تاریخ انبیا و ایران، نخستنامه، اخلاق مصور، صد درس و علم الاشیا بوده است (ساکما، ۱۴۰۳-۱۴۰۷).

عبدالحسین خان امیر منتخب رئیس معارف بارفروش، در سال ۱۳۳۳ق/۱۲۹۳ش، مدرسه بنات را به نام همسر خود شکوه‌الزمان «شکوهیه» نامید (قلی‌پور گودرزی و الهی، ۱۳۹۳: ۷۵). مدرسه شکوهیه به مدت شش سال با همین نام به حیات خود ادامه داد. در اواخر سال ۱۳۳۸ق/۱۲۹۹ش. ملوک کیا دیپلمه مدرسه فرانسوی آلیانس تهران، به عنوان مدیر مدرسه منصوب شد (شکری فومشی، ۱۳۷۹: ۳۲۱). خانم کیا نام مدرسه را تغییر داد. او توسط ظهیرالملک حاکم مازندران، اقداماتی انجام داد تا سرانجام نام مدرسه را «مدرسه انانیه بارفروش» گذاشتند (نیاکی، ۱۳۷۹: ۶۸۱). هرچند که در نامه مدیر مدرسه دخترانه عصمتیه بارفروش به وزیر معارف وقت، نام این مدرسه همچنان شکوهیه بیان شده است. «دو سال است مدرسه‌ای به نام شکوهیه و به مدیریت صیه آقای منتظم دیوان^۱ اداره شده» (ساکما، ۲۹۷۰-۲۲۷۸۳). مکان مدرسه همچنان در لر محله بارفروش و در یک خانه اجاره‌ای بود. در ۱۳۳۷ق/۱۲۹۸ش. مدرسه با شش کلاس ابتدایی کامل شد. بعدها در ۱۳۴۴ق/۱۳۰۴ش. خانم ملوک کیا دو کلاس هفت و هشت از دوره اول متوسطه را نیز به صورت غیررسمی دایر کرد. علاوه بر خانم کیا، خانم‌ها فخری حافظی و شوکت آشتی بقایی نیز از کارکنان مدرسه بودند (قلی‌پور گودرزی و الهی، ۱۳۹۳: ۷۵).

مدرسه انانیه در شهر بارفروش با همت و تلاش خانم ملوک کیا و همکارانش با وجود همه کمبودها و کاستی‌ها در تعلیم و تربیت دختران به فعالیت خود ادامه داد. شبانی رئیس معارف ایالت طبرستان، در گزارشی در ۲ سلطان^۲ ۱۳۳۹ق/۱۳۰۰ش. به وزیر معارف وقت درباره کوشش‌های خانم مدیر چنین نوشتند است: «تا هنگام ورود فدوی به طبرستان

^۱ «منتظم دیوان» پدر ملوك کیا مدیر مدرسه اناشیه بود.

^۲ پیاره یا ماه تیر. د.ک. یه: نیئر، ۱۳۶۶: ۴۲.

شش هفت مدرسه ناقص دولتی که یکی از آنها مدرسه نسوان بارفروش بوده و فقط برآن می‌توان در نتیجه زحمات خانم مدیره محترمه‌اش اطلاق اسم مدرسه نمود وجود داشت. در حالی که به کلی فاقد معلمین تحصیل کرده بوده» (ساکما، ۲۹۷۰ ۲۲۷۸۳). نیما یوشیج شاعر نامدار به واسطه همسرش عالیه جهانگیری که معلم دبستان دوشیزگان سعدی بود، با خانم کیا آشنا شده و از جدیت و استقامت قابل تحسین او یاد کرده است (شکری فومنشی، ۱۳۷۹: ۳۲۲).

مدرسهٔ دخترانه انانثیه بارفروش نیز با شهریهٔ دانش‌آموزان اداره می‌شد. در سال ۱۳۳۹ق/۱۳۰۰ش، ظهیرالملک حاکم مازندران که ریاست معارف و اوقاف نیز با او بود، ضمن قراردادی با ادارهٔ مالیه، مقرر کرد که مدارس مازندران، مدارس دولتی محسوب شوند و پس از وضع شهریهٔ دانش‌آموزان، کسر بودجهٔ هر مدرسه از محل درآمدهای هر شهر پرداخت شود (ساکما، ۲۹۷۰۲۲۷۸۳). به موجب این قرارداد وضعیت مالی مدارس، از جمله مدرسهٔ انانثیه بهتر از گذشته شده بود.

در سال ۱۳۴۰ق/۱۳۰ش. مدرسهٔ انانیه دارای شش کلاس (کلاس‌های نیم، یک، دو، سه، چهار و پنج) بود و مقرر شد پس از امتحانات پایان سال، کلاس ششم نیز در مدرسهٔ تشکیل شود. عمدۀ چالش و مشکلات مدرسه در این سال کمبود معلم بود. با وجود آنکه مدرسهٔ شش کلاس شده بود، اما سه معلم در کلاس‌های یک، دو و سه و یک معلم قرائت قرآن خانم قراتی - کار تدریس را بر عهده داشتند. مدیر پرتلاش مدرسه این کاستی را با حضور خود در کلاس‌های چهار و پنج و تدریس دانش‌آموزان بر طرف می‌کرد. او از رئیس معارف بارفوش درخواست استخدام دو معلم برای مدرسه و یا تعیین بودجه‌ای برای به کارگیری دو تا از شاگردان خوب کلاس پنجم که توانایی تدریس و معلمی را دارند، کرده بود. همچنین او تقاضا کرده بود که حقوق خانم قراتی معلم قرآن مدرسه نیز افزایش یابد (همان، ۲۹۷-۰۲۲۹۴۳).

مدیر مدرسه در ۱۳۴۱ق/۱۳۰۲ش. درخواست خود مبنی بر استخدام یک معلم با اعتبار یانزده تومان را دوباره مطرح کرد (همان، ۲۷۸۳).^{۲۹۷۰}

امتحانات مدرسه‌های انتاییه هر ساله در ماه جوزا با حضور هیئت ممتحنه شامل بزرگان شهر برگزار می‌شود. براساس ورقهٔ صورت امتحانات در ۱۳۴۱ق/۱۳۰۲ش. از دانش‌آموزان

کلاس چهارم در درس‌های قرآن، شرعیات، جغرافی، دستور، هندسه، تأدیب البنا، قرائت، تاریخ، دیکته، حساب و سیاق امتحان به عمل آمد. هیئت ممتحنه شامل خانم اعظم‌السلطنه، خانم امیراشرف، خانم امیرپنج، نواب عالیه، خانم امام جمعه، خانم رئیس مالیه، تاج‌الملوک، افسر‌الملوک، خانم خیرالملک، صبیه آقا شیخ فضل‌الله مرحوم اقدس و خانم حکیم‌باشی بوده‌اند که پای ورقه را امضا کردند و به تأیید مدیر مدرسه خانم ملوک کیا رساندند (همان، ۲۹۷۰۳۶۸۳۸).

با وجود حضور بانوان برای نظارت در امتحان سالانه کلاس چهارم، برای برگزاری امتحان دو نفر داشت آموز دختر کلاس ششم مدرسه انانیه در همین سال با مشکل رو به رو شدند؛ زیرا از میان خانم‌های شهر کسی نبود که شایستگی حضور در هیئت ممتحنه کلاس ششم را داشته باشد. از این رو بنا بر تقاضای اولیای دانش‌آموزان، امتحان با حضور حجۃ‌الاسلام آقای سیف‌الاسلام از علمای طراز اول بارفروش و اشخاص سالخورده و پیران شهر برگزار شد (همان).

مخارج برگزاری امتحان دانش‌آموزان مدرسه انانیه بارفروش در ماه جوزای^۱ سال ۱۳۴۱ق/۱۳۰۲ش، بالغ بر هجده تومان و هشت قران و پانزده شاهی بود که شامل کرایه چادر در مدت نه روز، کرایه حمل و نقل صندلی و میز، قند چهارونیم من، چای، تنبایک و دو من، سیگار، کبریت، قهوه و سه لنگه ذغال بوده است. گزارش مخراج امتحان مدرسه از طریق آقای اسد‌الله نوری رئیس معارف بارفروش، به وزارت معارف اعلام شد تا وجهی برای پرداخت آن اختصاص یابد، اما وزارت معارف به علت عدم پیش‌بینی آن در بودجه سالانه، مبلغی برای آن پرداخت نکرد (همان).

در آبان ۱۳۰۴ش/۱۳۴۴ق. توسط مدیر مدرسة دولتی انانیه کلاس‌های اکابر برپا شد. برگزاری این کلاس‌ها در معابر عمومی شهر اعلان شد. کلاس‌های اکابر هر روز، روزی سه ساعت قبل از ظهر تعیین شد که زمان استراحت و فراغت از تدریس مدیر مدرسه بوده است (همان، ۲۹۷۰۲۱۴۷۳).

مدرسه دخترانه عصمتیه بارفروش

از این مدرسه اطلاع چندانی در دست نیست. سال تأسیس آن را به احتمال

^۱ سومین برج از بروج دوازده‌گانه برابر با ماه خرداد.

۱۳۳۷ق/۱۲۹۸ش. دانسته‌اند. نام مؤسس، زمان دقیق تأسیس مدرسه و محل آن نامعلوم است. براساس ورقهٔ احصائی وزارت معارف، در ۱۳۴۶ق/۱۳۰۶ش. مدرسهٔ عصمتیه بارفروش ۳۷ دانش‌آموز داشته که پانزده نفر به صورت رایگان تحصیل می‌کرده‌اند (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۴۳۲؛ شکری فومشی، ۱۳۷۹: ۳۴۵). براساس یک سند بدون تاریخ که نامهٔ خانم مدیر مدرسه به وزارت معارف است، خانم مدیر که مؤسس مدرسه عصمتیه است، خود را اصلاً تهرانی معرفی کرده که دوازده سال پیش از نوشتن نامه، در محلهٔ سید نصیرالدین تهران مدرسه‌ای به نام عصمتیه را اداره می‌کرده و در خدمت تعلیم و تربیت دختران بوده است. به واسطهٔ «اوپساع طبیعت» از تهران به مازندران آمده و در شهر بارفروش اقامت گزیده است. به گفته او، هنگام ورود به شهر بارفروش، این شهر فاقد مدرسه به احتمال مدرسهٔ دخترانه – بوده و به همین دلیل او تصمیم به تأسیس مدرسه عصمتیه در بارفروش گرفته و در تعلیم و تربیت دختران کوشیده است (ساکما، ۲۹۷۰۲۲۷۸۳).

همان گونه که پیشتر آمده، نخستین مدرسهٔ دخترانه بارفروش در ۱۳۳۲ق/۱۲۹۲ش. تأسیس شده است. اگر ادعای مدیر عصمتیه را بپذیریم، مدرسهٔ او باید نخستین مدرسهٔ دخترانه شهر باشد که سال تأسیس آن پیش از ۱۳۲۲ق/۱۲۹۲ش. بوده است؛ زیرا او در نامهٔ خود بیان کرده زمانی که به بارفروش آمده، شهر فاقد مدرسهٔ دخترانه بوده است. در جای دیگری از این سند، خانم مدیر اشاره کرد که دو سال پیش مدرسه‌ای به نام شکوهیه و به مدیریت صبیهٔ آقای منتظم دیوان (ملوک کیا) تأسیس شد. بدین ترتیب می‌توان احتمال داد که مدرسهٔ عصمتیه پیش از این تاریخ تأسیس شده بود (همان).

براساس این سند، مدرسهٔ عصمتیه دارای کلاس‌های یک تا چهار بوده و براساس برنامهٔ وزارت معارف فعالیت می‌کرده است. تدریس دانش‌آموزان توسط خانم مدیر، عروس او که معلم کلاس یک بوده و دو نفر معلم کلاس دو و سه انجام می‌شده. محل مدرسه نامعلوم، ولی اجاره‌ای بوده است. اجارهٔ خانه، حقوق فرآش مدرسه و ملزمات آموزشی، همه به عهدهٔ مدیر مدرسه بوده است. مدرسهٔ ماهیانه هفت هشت تومان درآمد داشته و بیست دانش‌آموز را به صورت رایگان پذیرفته بود. خانم مدیر در این نامه از وزارت معارف تقاضا کرده بود که این مدرسه را جزو مدارس دولتی به حساب آورند و

بودجهٔ مشخصی برای آن معین کنند تا در بودجهٔ معارف بارفروش قرار گیرد. همچنین یک معلم کلاس چهار و پنج را با حقوق مکلفی از تهران استخدام کنند و به بارفروش بفرستند (همان) براساس نامه‌ای به تاریخ ۲۲ برج اسد،^۱ تقاضای دولتی شدن مدرسه به علت عدم پیش‌بینی بودجهٔ سالانه و بی‌ محل بودن آن، مورد پذیرش وزارت معارف قرار نگرفت (همان).

مدرسهٔ ملی عفتیه بارفروش

این مدرسه به احتمال دخترانه - در سال ۱۳۳۶ق/۱۲۹۷ش. دارای دو کلاس، دو معلم و ۳۴ دانش‌آموز بوده است. اطلاعی از نام مؤسسان، زمان تأسیس و چگونگی شکل‌گیری مدرسه در دست نیست (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۴۳۱).

شهر از کتاب خود از دو مدرسهٔ دخترانه در ساری و بارفروش متعلق به بهایان یاد کرده است. هیچ گونه اطلاعی از سال تأسیس و مؤسسان این دو مدرسه در دست نیست. در بارفروش از قمرخانم ممتازی به عنوان یکی از معلمان مدرسه و در ساری، نیره ابراری و سلطنت خانم وارثه به عنوان مدیر یاد شده است (شهر، ۱۳۰۱: ۲۸۵، ۲۷۴).

مدرسهٔ تربیت بنات ساری

تا سال ۱۳۳۹ق/۱۳۰۰ش. مراکز آموزشی شهر ساری شامل هفت مدرسهٔ علوم دینی به نام‌های سلیمان‌خان، حاج درویش‌علی، حاج مصطفی‌خان، امامیه، نواب علیه، رضاخان و مادر شاهزاده؛ و دو مدرسه به سبک جدید به نام‌های مدرسهٔ دولتی نصرت احمدی (تأسیس ۱۳۳۰ق/۱۲۹۱ش) و دستان ملی تأیید (تأسیس ۱۳۳۵ق/۱۲۹۶ش) (ساکما، ۲۹۷۰۰۸۵۸) و هفت مکتب خانه به نام‌های مکتب شیخ غلامعلی در محل مدرسهٔ سلیمان‌خان، مکتب میرزا محمدعلی در مدرسهٔ حاج مصطفی‌خان، مکتب میرزا میرزا علی‌اصغر‌خان در مدرسهٔ حاج مصطفی‌خان، مکتب شیخ تقی مقدس در محلهٔ چال مسجد، مکتب زینب‌خانم در محلهٔ چال مسجد، مکتب مسکین در محل تکیهٔ حاج حیدر‌علی و مکتب سید عبدالحسین در محل مدرسهٔ نواب علیه بود (همان، ۱۳۷۲۶).

^۱ پنجمین برج از بروج دوازده‌گانه برابر با ماه مرداد.

به جز مکتب خانه زینب خانم در محله چال مسجد که مختص دختران بود، سایر مراکز آموزشی شهر به پسران اختصاص داشت. در اوضاع نابسامان او اخر عصر قاجار، وضع آموزش شهر ساری بسیار نامطلوب بود^۱ و آموزش دختران ساروی نیز به مراتب از جهت کمیت و کیفیت نازل‌تر از آموزش پسران بود. این مسئله برای خانم فاطمه و کیلی می‌گفت که در سال ۱۳۳۷ق/۱۲۹۸ش. به همراه همسر خود آقای رضاقلی خان مهندس رئیس وقت ممیزی مالیه مازندران، به ساری آمده بود، درذنایک می‌نمود. از این رو شخص مزبور با همت خود و همسرش، نخستین مدرسه ابتدایی دخترانه ساری را در سال ۱۳۳۹ق/۱۳۰۰ش. تأسیس کرد. علاوه بر حمایت‌های مادی و معنوی رضاقلی خان مهندس، رئیس معارف ساری شخص علم پرور و فرهنگ‌دوقست نیز او را در این راه مهم حمایت کرده بود. به احتمال بر اثر تشویق‌های او بود که جمعی از مردم ساری از خانم فاطمه و کیلی درخواست تأسیس مدرسه دخترانه برای تربیت دختران کردند (همان، ۲۸۷۱۸-۲۹۷۰).

برای تأسیس مدرسه کمیسیونی تشکیل شد و مسائل مالی مدرسه را بر عهده گرفت. خانم فاطمه و کیلی دختر حاج میرزا رضاخان و کیلی رئیس تعلیمات نسوان ولایات وزارت معارف که دیپلمه مدرسه آمریکایی تهران بود، به عنوان مؤسس و مدیر مدرسه، در روز چهارم برج دلو^۲ سال ۱۳۳۹ق/۱۳۰۰ش. یک مدرسه ابتدایی دخترانه را در ساری به نام «تریست بنات» در محل اجاره‌ای خانهٔ شیخ جعفری افتتاح کرد. با وجود اینکه مدارس تریست بنات در تهران و شهرستان‌ها توسط بهاییان تأسیس شده بود، با توجه به اسناد موجود، نمی‌توان رابطه‌ای میان مؤسسان این مدرسه و بهاییان یافت. کمیسیون مدرسه به جمع‌آوری اعانه و تهیه لوازم اولیه مدرسه از قبیل میز و نیمکت پرداخت و مدرسه رونق یافت. به طوری که تعداد دانش‌آموزان مدرسه در روز ششم افتتاح آن به بیست نفر و تعداد دانش‌آموزان تا آخر سال ۱۳۳۹ق/۱۳۰۰ش. به ۵۸ نفر رسید. کار آموزش مدرسه بر عهده خانم فاطمه و کیلی و دو معلم دیگر بود. صدیقه تیرگری نیز ناظم مدرسه بود.

^{۱۱} براساس گزارش اسناد، جمعیت شهر ساری در سال ۱۳۴۳ میلادی (۲۰۰۳) ۱۳۰۰۰ نفر بود که حدود سه‌هزار نفر آن را کوکدگان بین ۶ تا ۱۶ سال تشکیل می‌دادند (ساقمای ۸۵۸-۲۰۷۹).

^۲ پازدهمین بیج از بیوچ دوازده‌گانه پرایر یا ماه بهمن:

مواد درسی که در مدرسه تربیت بنات ساری به دختران تعلیم داده می‌شد، عبارت بود از:
 کلاس اول: دستور فرهنگ جلد اول و جلد دوم، حساب، شرعیات و اخلاق شفاهی.
 کلاس دوم: قرآن دو جزء آخر، دستور زندگانی جلد اول، حفظ الصحه سال اول،
 شرعیات ابتدایی سال اول، علم الاشیاء دوره مقدماتی ثریا، جغرافی، حساب دوره مقدماتی
 میرزا رضاخان، تاریخ مقدماتی سال دوم تألیف ابوطالب خان، مشق درشت و ریز، دیکته،
 نماز، کاردستی.

کلاس سوم: قرآن، اخلاق مصور جلد اول و دوم، دستور زندگانی جلد دوم، دستور زبان
 فارسی جلد سوم، انشاء جلد اول، تاریخ مختصر ایران، علم الاشیاء سال اول، حفظ الصحه جلد
 دوم، حساب سال اول، جغرافی، هندسه سال اول، شرعیات، مشق خط، دیکته، کاردستی، نماز.
 کلاس تهیه دستور فرهنگ الفباء نماز (همان؛ اعتمادزاده و طالبی شلیمکی، ۱۳۹۳: ۳۳۸؛ عنایتی، ۱۳۹۴: ۳۳).

با پیگیری‌های رئیس معارف ساری و خانم فاطمه وکیلی، در چهارم برج حوت^۱
 ۱۳۳۹ق/۱۳۰۰ش. امتیازنامه مدرسه توسط نیرالملک وزیر معارف وقت صادر شد
 (ساکما، ۱۳۹۰۲۸۷۱۸).

در آخر حوت ۱۳۳۹ق/۱۳۰۰ش. پیش از عید نوروز، شاگردان مدرسه تربیت بنات
 ساری آموخته‌های یک ماهه خود را در برابر دیدگان خانواده‌هایشان و سایر
 دعوت شدگان به معرض امتحان قرار دادند. دانشآموزان کلاس اول جلد اول دستور
 فرهنگ و دانشآموزان کلاس دوم شرعیات و دستور زندگانی را امتحان دادند. از
 دانشآموزان کلاس سوم که علم الاشیاء را تمام کرده بودند، به علت کمبود وقت و مساعد
 نبودن هوا امتحان به عمل نیامد.

در سال ۱۳۴۰ق/۱۳۰۱ش. تعداد دانشآموزان مدرسه به صد نفر رسید که بنا به نوشته
 مدیر مدرسه شش نفر از آنها تهرانی بودند و به علت مأموریت پدرانشان در این مدرسه
 درس می‌خواندند. از کل شاگردان مدرسه تنها دوازده نفر شهریه می‌پرداختند (شش نفر
 ماهی پنج قران و شش نفر دیگر ماهی دو و سه قران). سایر دانشآموزان نیز به صورت
 رایگان درس می‌خواندند.

^۱ دوازدهمین برج برابر با ماه اسفند.

با بیشتر شدن تعداد دانش آموزان، مدرسه با سه مشکل مهم مواجه شد: کمبود معلم، کمبود فضای آموزشی و مشکلات مالی. سه ماه پس از افتتاح مدرسه، به علت اینکه خانه شیخ جعفری نمناک و مرطوب بود، مدرسه به جایی مناسب‌تر انتقال یافت. متأسفانه! در اسناد از مکان جدید مدرسه ذکری به میان نیامده است. خانم و کیلی مدیر مدرسه نیز در صدد جذب معلم‌های دیگری از تهران برآمد. این تلاش او تعداد معلم‌های مدرسه را طی سال ۱۳۴۰ق/۱۳۰۱ش. به چهار نفر رسانید (همان).

جدول شماره ۱۵: بررسی وضعیت جمعیت ساری و نسبت دانش آموزان با جمعیت آن

سال	جمعیت ساری	تعداد کل	تعداد کوکان ۶ سال	تعداد	میزان درصد دانش آموزان دختر	میزان درصد دانش آموزان پسر	میزان درصد کل دانش آموزان	میزان درصد کل ساری	تعداد کل دانش آموزان ساری
۱۳۰۳	۱۸۰۰۰	۳۰۰۰	۱۶	۴۸۱	%۳۳/۹	%۶۶/۱	%۱۶	-	
۱۳۰۶	۱۸۰۰۰	-		۶۶۱	%۳۱/۹	%۶۸/۱	%۲۲		

با نزدیک شدن ماه مبارک رمضان سال ۱۳۰۱/۱۳۴۰ش. مدیر مدرسه دچار مشکل جدیدی شد. از آنجایی کمیسیون مدرسه حمایت مالی را برعهده داشت، قصد دخالت در امور مدرسه را داشت و این کار را با اعلام تعطیلی مدرسه در ماه مبارک رمضان انجام داد. این عمل با مخالفت شدید خانم فاطمه و کیلی و همسر او آقای رضاقلی خان مهندس رو به رو شد. رضاقلی خان مهندس طی دو نامه در مورخه‌های ۷ و ۱۰ برج شور^۱ از رئیس معارف ساری خواسته بود که به منظور بی‌نتیجه نماندن تلاش آموزش سه ماهه کارکنان مدرسه، از مداخله کمیسیون برای تعطیلی مدرسه جلوگیری کند. وی همچنین اعلام کرد با توجه به اینکه کمیسیون مزبور از ابتدای سال ۱۳۴۰ق/۱۳۰۱ش. کمک‌های مالی خود را قطع کرده، حاضر است تمام هزینه‌های مالی مدرسه را برعهده بگیرد. رئیس معارف ساری نیز همین گونه عمل کرد. بدین ترتیب، مدرسه در ماه مبارک رمضان، از شش

^۱ دومین برج برابر با ماه اردیبهشت.

ساعت تا یک ساعت مانده به غروب دایر بود (همان).

گویا اقدامات آقای رضاقلی‌خان مهندس نتوانست مشکلات مالی مدرسه را مرتفع سازد. از این رو مدیر مدرسه خانم و کیلی در ۲۳ اسد ۱۳۴۰ ق/۱۳۰۱ اش. از وزیر معارف درخواست کمک مالی کرد. کمک‌های مالی وزارت معارف از طریق اداره معارف ساری از برج سنبله^۱ ۱۳۴۰ ق/۱۳۰۱ اش. آغاز شد و ماهیانه طبق پیشنهاد خانم و کیلی نیمی از هزینه‌های مدرسه یعنی ۵۰ تومان در اختیار او قرار داده می‌شد. بنا بر نوشته مدیر مدرسه، در ۷ دلو همان سال او توانسته بود با ماهی ۳۰ تومان شهریه شاگردان و ۵۰ تومان کمک‌های مالی اداره معارف ساری، مدرسه را اداره کند. گهتنی است به منظور آینده‌نگری و دولتی کردن مدرسه تربیت بنات، بودجه پیشنهادی در ۷ دلو ۱۳۰۱ ق/۱۳۴۰ اش. به ترتیب زیر برای دریافت کمک‌های بیشتر دولتی به اداره معارف ساری ارائه شد:

«کرایه خانه ده تومان، دو معلمه کلاس سه و چهار که باید دارای تصدیق یکی از مدارس عالی طهران باشند چهل تومان، معلمه کلاس دوم ۱۲ تومان، کلاس اول ده تومان، معلمه تهییه و شرعیات دو نفر پانزه تومان، خدمتکار شش تومان، مخارج متفرقه ده تومان، سریدار هفت تومان، جمع کل یکصد و ده تومان در مقابل این مخارج عابدات داخلی مدرسه سی تومان بتایران ماهی هشتاد تومان اعتبار لازم خواهد شد» (همان).

بودجه پیشنهادی خانم و کیلی مدیر مدرسه تربیت بنات، طی نامه‌ای در ۹ دلو ۱۳۰۱ ق/۱۳۴۰ اش. به وزیر معارف ارائه و از وی درخواست شد به پیشنهاد مذبور توجه نشان دهد و آن را در بودجه سال آینده در نظر بگیرد. این مسئله مورد توجه وزیر معارف و حمایت او قرار گرفت.

بنا بر صورت احصائیه (آمار)، کارکنان مدرسه بنات ساری در ۲۰ بهمن ماه ۱۳۰۴ ش. به شرح زیر بودند (همان، ۲۹۷۰۲۰۸۵۸).

^۱ ششمین برج برابر با ماه شهریور.

جدول شماره ۲: فهرست کارکنان مدرسه تربیت بنات ساری

ردیف	نام	وظیفه
۱	فاطمه‌خانم	مدیر و معلم کلاس‌های پنجم و ششم و خیاطی و هنر یدی (دستی) و ورزش
۲	صدیقه‌خانم	معلم کلاس چهارم
۳	فروغ زمان	معلم کلاس سوم
۴	زینب‌السادات	معلم کلاس دوم
۵	فاطمه‌خانم	معلم کلاس تهیه قسمت اول
۶	فاطمه‌خانم	معلم کلاس تهیه قسمت اول
۷	زینب‌خانم	معلم کلاس تهیه قسمت دوم
۸	خانم نجفی	معلم کلاس آکابره
۹	خانم شریفه	معلم قرآن مجید و نماز
۱۰	آقا میرزا اسماعیل	معلم خط
۱۱	بی‌بی جان	خادم مدرسه
۱۲	مشهدی باقری	سرایدار
۱۳	حسین	خادم مدرسه

براساس ورقه احصائیه مدارس ساری، جمعیت شهر ساری در سال‌های ۱۳۰۳-۱۳۰۶ ش. حدود هجدهزار نفر بود و از این تعداد حدود سه‌هزار نفر را اطفال بین ۶ تا ۱۶ سال تشکیل می‌دادند. در سال ۱۳۰۳ ش. تنها ۱۶٪ از جمعیت دختر و پسر ۶ تا ۱۶ ساله ساروی برای تحصیل وارد مدرسه شدند. این مقدار در سال ۱۳۰۶ به ۲۲٪ افزایش یافت. جمعیت دانش‌آموز دختر و پسر شهر ساری در سال ۱۳۰۳ ش. ۴۸۱ نفر بود که ۹/۳۳٪ آن را دانش‌آموزان دختر تشکیل داده بودند. در سال ۶ ۱۳۰۶ ش. تعداد دانش‌آموزان دختر و پسر شهر ساری به ۶۱۶ نفر افزایش یافت که ۹/۳۱٪ آن دانش‌آموزان دختر بودند. این آمار نشان می‌دهد که آموزش دختران مورد توجه بخشی از مردم شهر قرار گرفته بود. با بررسی نام پدران دختران دانش‌آموز مدرسه تربیت بنات در سال ۱۳۰۴ ش. حتی می‌توان

به جایگاه سیاسی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و شغلی آنان نیز بی برد. برخی نام‌ها و القاب چون حاج محمد میرزا، شاهزاده حسن میرزا، نادر میرزا، شاهزاده اسماعیل میرزا، عبدالله میرزا، مصطفی خان، میرزا محمود خان، سالار معظم، انتظام دفتر، نائب عیسی خان، سعید دیوان، نظام دیوان، یاور خان، معاون دیوان و رضاقلی خان مهندس، نشان دهنده توجه خانواده‌های شاهزادگان فاجاری و صاحب منصبان سیاسی، نظامی و اداری به بهره‌مندی دختران آنان از تربیت نوین است. در کنار نام این اشخاص، نام‌های دیگری چون شیخ حاج آقا، شیخ محمد، شمس الداکرین، آقا شیخ خلی، فخر العارفین، سلطان الداکرین، ملا جعفر، شیخ محسن، آقا شیخ علی اکبر، رئیس السادات، ثقة الاسلام، آقا شیخ زین العابدین و قطب العارفین به روشنی می‌رساند که افرادی با جایگاه دینی و مذهبی در شهر نیز برای تعلیم و تربیت دختران خود دل به آموزش‌های نوین بسته بودند. از میان تحصیل کردگان و افراد باسواد، با نام‌های دکتر سنگ، مجdalatiba، دکتر حشمت، دکتر سید محمد علی خان، میرزا احمد و میرزا حبیب بر می‌خوریم. همچنین القابی نظری افتخار التجار و مشیر التجار، از حضور دختران بازرگانان در مدرسه تربیت بنات حکایت دارد. جالب‌تر از همه، وجود نام‌هایی از سایر شهروندان و صاحبان حرف و مشاغل است. مانند استاد حسین معمار باشی، استاد صفر، استاد سلیمان، کربلا بی اسماعیل، مشهدی خدابخش، بابا عبدالله، مشهدی قنبر و غلامحسین؛ که نشان از علاقه‌مندی آنان به دریافت آموزش‌های نوین توسط دختران آنها دارد. به طور کلی این نام‌ها و القاب گوناگون تمایل اقسام مختلف شهری به آموزش دختران و گسترش و نفوذ مدرسه دخترانه را در میان طبقات و اقسام شهری ساری نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳: بررسی وضعیت مشاغل اولیای دانش آموزان و پرداخت شهریه آنان در

سال ۱۳۰۴ خورشیدی

مشاغل و جایگاه اجتماعی	تعداد پرداخت شهریه	تعداد رایگان	با لوازم تحصیل	لباس	تعداد کل
تحصیل کردها	۲	۴	۱	۰	۶
روحانیان	۱۰	۳۱	۹	۷	۳۶

ادامه جدول شماره ۳

۲۸	۱	۴	۱۸	۱۲	شاہزادگان و خوانین
۴	۰	۰	۳	۱	تجار
۲۲	۱	۳	۱۰	۱۲	صاحب منصبان اداری و نظامی
۳۳	۰	۳	۱۵	۱۸	صاحبان حرف و مشاغل
۱۴۸	۲۸	۶۰	۱۱۸	۳۰	سایر مشاغل
۲۸۴	۳۷	۸۰	۱۹۹	۸۵	جمع کل

مدرسه تربیت بنات ساری در سال ۱۳۰۰ ش. دارای ۵۸ دانش آموز، سال ۱۳۰۱ ش. ۱۰۰ دانش آموز، سال ۱۳۰۲ ش. ۱۶۳ دانش آموز، سال ۱۳۰۴ ش. ۲۸۷ دانش آموز، سال ۱۳۰۶ ش. ۲۱۱ دانش آموز و سال ۱۳۰۸ ش. ۱۳۲ دانش آموز دختر بود (همان؛ همچنین سندهای شماره ۲۸۷۱۸؛ ۲۹۷۰۱۳۷۲۶؛ ۲۹۷۰۲۴۱۳؛ ۲۴۰۰۰۲۴۱۳) شماره ۲۸۷۱۸

جدول شماره ۴: تعداد دانش آموزان مدرسه تربیت بنات ساری طی سالهای ۱۳۰۸-۱۳۰۰ ش.

تعداد دانش آموزان رایگان	تعداد دانش آموزان شهریه بدء	تعداد کل دانش آموزان دختر	سال
-	-	۵۸	۱۳۰۰
۸۸	۱۲	۱۰۰	۱۳۰۱
۹۸	۶۵	۱۶۳	۱۳۰۳
۱۹۹	۷۴	۲۷۳	۱۳۰۴
۱۸۸	۲۴	۲۱۲	۱۳۰۶
-	-	۱۳۲	۱۳۰۸

براساس اسناد، کوچک‌ترین دانش آموز دختر مدرسه تربیت بنات در سال ۱۳۰۳ ش. تنها ۵ سال داشته و بزرگ‌ترین آنها ۱۶ ساله بود. در سال ۱۳۰۶ ش. کوچک‌ترین دانش آموز مدرسه ۶ ساله و بزرگ‌ترین آنها ۲۰ ساله بود. تعداد کل فارغ‌التحصیلان دوره

شش ساله ابتدایی تا سال ۱۳۰۶ش. سیزده نفر بودند که تعداد هشت نفر از آنان در سال ۱۳۰۶ش. فارغ‌التحصیل شده بودند.

جدول شماره ۵: تعداد دانش‌آموزان مدرسه بنات به تفکیک کلاس‌های مختلف طی سال‌های ۱۳۰۶-۱۳۰۳ش.

کلاس سال	تنهیه	اول ابتدایی	دوم ابتدایی	سوم ابتدایی	چهارم ابتدایی	پنجم ابتدایی	ششم ابتدایی	جمع کل
۱۳۰۳	۸۴	۴۷	۱۶	۱۰	۳	۳	-	۱۶۳
۱۳۰۴	۱۵۶	۴۷	۴۰	۱۰	۵	۱۲	۳	۲۷۳
۱۳۰۶	۱۰۰	۲۷	۲۴	۲۳	۸	۲۳	۷	۲۱۲

تعداد معلمان مدرسه تربیت بنات در سال ۱۳۰۰ش. ۲ نفر؛ سال ۱۳۰۱ش. ۴ نفر، و سال ۱۳۰۳ش. ۶ نفر، و در سال‌های ۱۳۰۴، ۱۳۰۶ش. ۱۰ نفر، و در سال ۱۳۰۸ش. ۹ نفر بود.

جدول شماره ۶: بررسی تعداد دانش‌آموزان و نسبت معلمان مدرسه تربیت بنات ساری و شهریه آن به تفکیک سال

سال	تعداد کل دانش‌آموزان	تعداد کلاس‌ها	تعداد معلمان	تعداد دانش‌آموزان رایگان	تعداد دانش‌آموزان	تعداد دانش‌آموزان با شهریه
۱۳۰۰	۵۸	۳	۳	-	-	-
۱۳۰۱	۱۰۰	۴	۴	۸۸	۱۲	
۱۳۰۳	۱۶۳	۵	۶	۹۸	۶۵	
۱۳۰۴	۲۷۳	۶	۱۰	۷۴	۱۹۹	
۱۳۰۶	۲۱۲	۶	۱۰	۲۴	۱۸۸	
۱۳۰۸	۱۳۲	-	۹	-	-	

درآمد سالانه مدرسه تربیت بنات در سال ۱۳۰۳ش. ۸۵۰ تومان بوده که ۶۰۰ تومان آن از محل درآمد دولتی و ۲۵۰ تومان دیگر از شهریه دانش‌آموزان به دست آمده بود. هزینه‌های مدرسه نیز در همین سال ۶۵۰ تومان بود. بدین ترتیب، مدرسه تربیت بنات در

سال ۱۳۰۳ش. ۲۰۰ تومان سوددهی داشت.

در سال ۱۳۰۶ش. درآمد مدرسه ۱۳۲۰ تومان بود که ۱۰۸۰ تومان آن از محل درآمد دولتی و ۲۴۰ تومان دیگر از محل درآمد شهریه دانشآموزان بود. هزینه‌های مدرسه در این سال ۱۳۲۰ تومان بود.

جدول شماره ۷: میزان درآمد و هزینه‌های مدرسهٔ دخترانه تربیت بنات ساری طی سال‌های ۱۳۰۳ و ۱۳۰۶ش.

هزینه به تومان	درآمد به تومان			سال
	جمع کل	شهریه	دولتی	
۶۵۰	۸۵۰	۲۵۰	۶۰۰	۱۳۰۳
۱۳۲۰	۱۳۲۰	۲۴۰	۱۰۸۰	۱۳۰۶

مقایسهٔ درآمدی مدرسهٔ تربیت بنات در سال‌های ۱۳۰۳ و ۱۳۰۶ش. نشان می‌دهد که مقدار ۴۸۰ تومان درآمد دولتی در سال ۱۳۰۶ش. افزایش یافته، اما درآمد از محل شهریه دانشآموزان ۱۰ تومان کاهش یافته است. همچنین مخارج مدرسهٔ تربیت بنات در سال ۱۳۰۶ش. به نسبت سال ۱۳۰۳ش. مقدار ۶۷۰ تومان افزایش یافت.

انواع اثاثیهٔ مدرسهٔ بنات و تعداد آن در سال ۱۳۰۳ش. به شرح زیر بود:

میز شاگرد: ۳۰ عدد؛ نقشهٔ جغرافیا: ۹ عدد؛ نیکمت: ۳۶ عدد؛ دفاتر مدرسه: ۹ جلد؛ میز معلم: ۷ عدد؛ ساعت: ۱ عدد؛ صندلی: ۷ عدد؛ تابلوی مدرسه و کلاس‌ها: ۱ عدد؛ تخته سیاه: ۷ عدد؛ تخته و پورگرام (برنامه): ۱ عدد.

انواع اثاثیهٔ مدرسهٔ بنات و تعداد آن در سال ۱۳۰۶ش. به شرح زیر بود:

میز شاگرد: ۲۷ عدد؛ تابلو مدرسه و کلاس‌ها: ۱۷ عدد؛ نیمکت شاگرد: ۳۶ عدد؛ دوات: ۷ عدد؛ میز معلم: ۷ عدد؛ لوازم التحریر: ۷ عدد؛ صندلی: ۸ عدد؛ منقل: ۱۴ عدد؛ تخته سیاه: ۶ عدد؛ زنگ مدرسه با چکش: ۱ عدد؛ نقشهٔ جغرافیا: ۱۴ عدد؛ زنگ رومیزی: ۲ عدد؛ دفاتر مدرسه: ۱۲ جلد؛ خط‌کش: ۲ عدد؛ ساعت: ۱ عدد؛ حصیر: ۲۹ تخته. خانم فاطمه و کیلی تا ۲۵ شهریور ۱۳۰۶ش. مدیریت مدرسهٔ بنات ساری را بر عهده داشت و از این تاریخ تا بهمن ۱۳۰۹ش. مدیریت دبستان بر عهدهٔ خانم کوچک تشكري

(مهری پژشک) بود (همان، ۲۴۱۳، ۲۴۰۰۰).

نتیجه‌گیری

در پی تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اواخر عصر قاجار و به وجود آمدن مدارس به سبک و سیاق نوین و اروپایی، به تدریج توجه بانیان مدارس به سمت تأسیس مدارس دختران و تعلیم و تربیت آنان معطوف شد. بی‌بی خانم استرآبادی و طوبی رشیده نخستین مدارس دخترانه عصر قاجار را در تهران دایر کردند. پس از آنها در سایر شهرها نیز افتتاح مدارس دخترانه آغاز شد. این اتفاق در حالی رخ می‌داد که تنها بخش کوچکی از جمعیت دختران از طریق آموزش‌های خانگی توسط معلمان سرخانه و ملاطباجی‌ها در مکتب خانه‌ها از سواد خواندن و نوشتن بهره می‌بردند.

در تأسیس مدارس، بانیان با دشواری‌هایی روبرو بودند. از یک سو، با مشکلات مالی دست و پنجه نرم می‌کردند و از سوی دیگر، حوادث و رخدادهای سیاسی زمانه، مدارس را با چالش جدی و حتی تعطیلی و انحلال مواجه می‌ساخت. دیدگاه‌های فرهنگی، دینی و مذهبی جامعه نیز موجب کندی گسترش مدارس جدید می‌شد. مدارس دخترانه نیز این موانع را پیش رو داشتند و البته با محدودیت‌های اجتماعی بیشتری روبرو بودند.

نخستین مدارس جدید مازندران در سال‌های آغازین سلطنت مظفرالدین‌شاه دایر شدند، اما تقریباً دو دهه فرصت لازم بود تا مدارس دخترانه نیز پا بگیرند و سهم اساسی در تعلیم و تربیت دختران مازندرانی داشته باشند.

نخستین مدرسه دخترانه مازندران در بارفروش و توسط عده‌ای به سال ۱۳۳۲ق/۱۲۹۲ش. با نام بنات تأسیس شد. این عده که نامشان بر ما پوشیده است، گویا از بهایان بارفروش بودند. پس از یک سال، مدرسه بنات مورد حمایت عبدالحسین‌خان امیر منتخب رئیس معارف بارفروش قرار گرفت. این مدرسه شش سال با همین نام فعالیت کرد تا اینکه در ۱۳۳۹ق/۱۲۹۹ش. خانم ملوک کیا به مدیریت مدرسه رسید و نام آن را به مدرسه انانشه بارفروش تغییر داد. ملوک کیا دیپلمه مدرسه فرانسوی آلیانس تهران بود و در بسط و گسترش آموزش دختران بسیار کوشید. او حتی نسبت به دایر کرن کلاس‌های اکابر برای زنان کوشش کرد. او توانست با غلبه بر سختی‌ها و موانع موجود، تعداد

کلاس‌های مدرسه را افزایش دهد و در نتیجه، دختران بیشتری را تحت تعلیم و تربیت نوین قرار دهد. سرانجام با تلاش‌های او مدرسه تحت حمایت وزارت معارف قرار گرفت و با استفاده از بودجهٔ معارفی به شکل دولتی اداره شد.

علاوه بر مدارس فوق، دو مدرسهٔ عصمتیه و عفتیه نیز در شهر بارفروش برای تعلیم و تعلم دختران دایر شد. از این دو مدرسه اطلاع چندانی در دست نیست. مدرسهٔ عصمتیه را خانمی اهل تهران که پیشتر مدیر یک مدرسهٔ دخترانه در محلهٔ سید نصیرالدین تهران بود، تأسیس کرد.

در ۱۲۹۷ق/۱۳۳۷ش. فاطمه وکیلی دبیلم مدرسهٔ آمریکایی تهران، به علت ماموریت همسرش رضاقلی خان مهندس مالیه، به ساری آمد. وضع نابسامان آموزش دختران ساروی، درخواست اهالی و بزرگان شهر و حمایت‌های رئیس وقت معارف ساری، او را برآن داشت تا نخستین مدرسهٔ دخترانه ساری را با نام تربیت بنات در ۱۳۴۰ق/۱۳۰۰ش. تأسیس کند. کمیسیونی از اهالی شهر برای تأمین مسائل مالی مدرسه تشکیل شد. مدرسه که در برج دلو با ۲۰ دانش‌آموز کار خود را آغاز کرده بود، در پایان سال به تعداد ۵۸ دانش‌آموز دختر رسید. ملاحظه نام دانش‌آموزان و نام پدرانشان نشان می‌دهد که آموزش دختران از سوی طیف‌های مختلف مردم شهر مورد توجه قرار گرفت. با بیشتر شدن تعداد دانش‌آموزان، مدرسه با مشکلاتی از قبیل کمبود معلم و فضای آموزشی روبرو شد که وضع بد و نابسامان مالی نیز آن را تشدید می‌کرد. سرانجام این مدرسه نیز با تلاش‌های مدیر آن به شکل دولتی درآمد و از بودجهٔ وزارت معارف برخوردار شد.

پیوست‌ها

سنده شماره ۱

گزارش امتحان شاگردان کلاس ششم مدرسه انانیه بارفروش

وزارت معارف و اوقاف

اداره معارف و اوقاف بارفروش

مورخه ۷ برج اسد سچقان ییل ۱۳۰۳

نمره ۱۷۵

ضمیمه هفت تومان اسکناس

مقام منیع وزارت جلیله معارف و اوقاف دامت شوکته

در بیستم جوزا امتحان شاگردان کلاس ششم مدرسه انانیه با حضور عده ای از معمرين شهر شروع هفت نفر موفق با خذ تصدیقنامه گردیدند که لفا صورت نمرات آنها که بامضای ممتحنین رسیده با هفت تومان وجه تمبر ارسال متممی است زودتر تصدیقنامه را ارسال فرماید علت تأخیر در فرستادن نمرات کسالت حصبه ۲۳ روزه اینجانب بوده است .

[امضا] عسگر صاحب جمع [مهر] اداره معارف و اوقاف بارفروش

[۲۹۷-۳۶۸۳۸]

سند شماره ۲

درخواست اضافه حقوق معلم قرآن

وزارت معارف و اوقاف

اداره معارف و اوقاف بارفروش

سجاد مراسله مدیره مدرسه انانیه دولتی مورخه ۲۵ شهر شعبان ۱۳۴۰

نمره ۳۸

مقام محترم ریاست معارف و اوقاف بارفروش دامت شوکته

نظر باینکه خانم قرائتی معلمه قرآن مدرسه دو تومان حقوق دارد حالیه تقاضا می نماید که یک مرحمتی در حقش نموده اضافه حقوق بایشان مرحمت شود تا با خیال راحت مشغول خدمات مرجعه باشد.

محل امضاء مدیر مدرسه (ملوک کیا)

سجاد مطابق اصل است

[مهر] اداره معارف و اوقاف بارفروش

[297 - 022943]

سنده شماره ۳

تقاضای استخدام معلم

وزارت معارف و اوقاف

اداره معارف و اوقاف بارفروش

سجاد مراسله مدیره مدرسه انانیه دولتی

مورخه ۲۵ شهر شعبان ۱۳۴۰

نموده ۳۷

مقام مبارک ریاست محترم اداره معارف و اوقاف بارفروش دامت شوکه

نظر باینکه مدت یک سال است از موقع امتحان شاگردان کلاس چهار مدرسه انانیه می‌گذرد و حالیه دروس کلاس پنج را نیز خاتمه داده اند لهذا مدرسه دارای شش کلاس است که عبارت از (یک) (نیم) (۲) (۳) (۴) (۵) می‌باشد و پس از امتحان امسال دارای کلاس شش نیز خواهد شد در اینصورت با کمال توقیر و احترام خاطر مبارک را مستحضر میدارد که چنین مدرسه با داشتن سه نفر معلمه کلاس‌های یک و دو و سه و یک نفر معلمه قرائت قرآن و خود بنده که دو سال است کلاس‌های چهار و ۵ را پیش برده بعدها پیشرفت نخواهد کرد نقداً ۲ نفر معلمه یکی برای کلاس نیم و دیگری برای چهار لازم است اینک با کمال احترام از آن اداره محترم تقاضاً می‌شود بهر وسیله هست یا دو نفر معلمه تهیه فرموده بمدرسه بفرستید و یا اینکه بودجه معین فرماید تا ۲ نفر از شاگردان کلاس (۵) که در حقیقت قابل معلمی هستند باداره محترم معرفی نمائیم زیاده جسارت است.

محل امضا مدیر مدرسه انانیه (ملوک کیا)

سجاد مطابق اصل است مورخه ۳ برج ثور ایت نیل ۱۳۰۱

[مهر] اداره معارف و اوقاف بارفروش

[297 - 022943]

سنند شماره ۴

**درخواست اهالی ساری از خانم رضاقلیخان (فاطمه و کیلی) برای تاسیس مدرسه
دخترانه**

سجاد درخواست اهالی ساری از طرف جماعت خواتین

خدمت علیه عالیه خانم رضا قلی خان مهندس مایلیه دامت شوکتها

جمعی از اهالی ساری برای تربیت دختران این شهر که تا کنون از معلومات محروم و مهجور مانده اند از آن علیه عالیه خواهش داریم اقدام در تاسیس مدرسه ابتدایی شش کلاسه فرموده ریاست آندرسه را نیز از روی پروگرام وزارت معارف تقبل فرمائید زیرا فی الحقیقہ کمالات صوری و معنوی و اخلاق حمیده و معلومات جدیده در آن مخدره جمع است و شایستگی دارید البته این جماعت نیز در همراهی این نیت پاک و تکمیل نواقص آن مدرسه مضایقه نخواهیم کرد زیاده عرض نیست.

[۲۹۷-۲۸۷۱۸]

سنده شماره ۵

تقاضای تاسیس مدرسه دخترانه در ساری به نام تربیت بنات

۱۳۰۰ دلو ۲

مقام منیع وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه دامت اقباله

کمینه بعد از تحصیلات چندین ساله در مدرسه آمریکایی طهران و اخذ دیپلم آنجا سه سال است به اتفاق آقای رضاقلیخان مهندس عالی فرنگ که مامور مالیه مازندران است بساری آمده اینجا اقامت دارد اخیرا جمعی از اهالی ساری اصرار در تاسیس مدرسه دوشیزگان با اسم تربیت بنات ساری تکلیف کرده و کمینه محض خدمت بعالی انسانیت که ساکنان اناشه این ارض و بوم بکلی دور از معلومات افتاده اند قبول نمود اینک سواد درخواست آنجماعت را لقا نقدیم داشته مستدعي است که امتیاز نامه تاسیس مدرسه دختران بنام تربیت بنات ساری باسم کمینه ارسال فرمائید که خدمتی بعالی تربیت دوشیزگان این گوشه مازندران نماید.

فاطمه صبیه حاج میرزا رضا خان وکیلی

[۲۹۷-۲۸۷۱۸]

سند شماره ۶

امتیاز نامه مدرسه تربیت بنات ساری

سجاد امتیاز نامه مدرسه تربیت بنات ساری

[شیرو خورشید]

دولت علیه ایران

چون مخدره محترمه فاطمه خانم عیال آقای رضاقلیخان مهندس تقاضای امتیاز تاسیس مدرسه انانث در حد ابتدایی بنام مدرسه بنات و ب مدیریت مشارالیها در ساری مازندران از وزارت معارف نموده و شرایط قانونی را مطابق ماده ۱۰ و ۱۶ قانون اساسی معارف داراست لهذا بمشارالیه اجازه داده می شود که مدرسه مزبوره را تاسیس نماید مشروط بر اینکه کاملا مقررات و نظم‌نامه و دستور وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه را رعایت کرده و مواد پروگرام رسمی را دقیقا مجری دارد.

اداره معارف و تعلیمات مسئول صحبت اجرای این امتیاز نامه است

برج حوت تخاقوی ئیل ۱۳۰۰

[محل امضای وزیر معارف] نیرالملک

[محل مهر] وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

[۲۹۷_۲۸۷۱۸]

سنده شماره ۷

تقاضای پرداخت نیمی از بودجه مدرسه تربیت بنات ساری توسط وزارت معارف

مقام منیع محترم وزارت معارف

چند روز قبل عرضه تقدیم شد که یکسال است در ساری مدرسه نسوان باسم تربیت بنات ساری بر حسب امتیاز نامه رسمی آن وزارت محترمه تاسیس و صد نفر از دوشیزگان آنولا[یت] که هنوز بعالی علم و معرفت سبقت نکرده و چنین مدرسه در آنجا وجود نداشت اقدام نمودم چون شاگردان متمول نادر و اغلب مجانی است عایدی ندارد صد تومان در هر ماه مخارج آنمدرسه برای کمینه تحمل ناپذیر است لذا استدعا کرده بود که لااقل معادل نصف آنوجه از جانب آنوزارت مرحمت شود که زحمات و مخارج یک ساله بهدر نرود و جمعی از دوشیزگان بتحصیل معلومات اشتغال یافته دعاگوی وجود مبارک بشوند چون جوابی تاکنون مرحمت نشد مبادرت بعرضه ثانی نمود .

کمینه فاطمه و کیلی

مدیره مدرسه بنات ساری

[۲۹۷-۲۸۷۱۸]

سند شماره ۸

گزارش بازدید از مدرسه تربیت بنات ساری

وزارت معارف و اوقاف

اداره معارف و اوقاف ساری

نمره ۴۲۹

تاریخ ۹ برج دلو ۱۳۰۱

ضیمه سواد

مقام منع وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه دامت شوکته

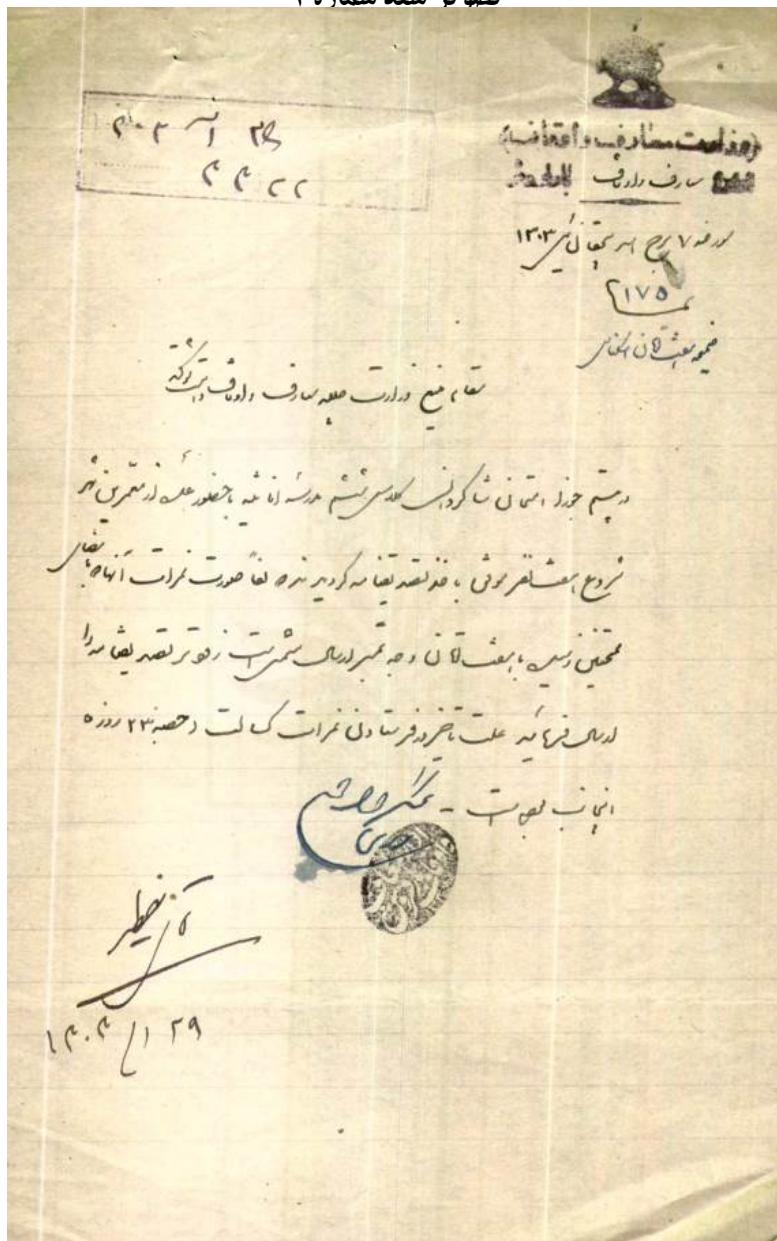
در تاریخ ۲۵ برج جدی به اتفاق آقایان مدعا العموم و اعضاء عدليه مدرسه بنات ساری را بازدید و تفتيش نموده حسن ترتيب و انتظام کلاسها و دفاتر و نظافت اثاثيه و ملزومات مدرسه که حاکي از مراقبت و اهتمام مخصوص مخدره فاطمه خانم وکيلی مديره مدرسه بنات بوده است خوشوقتی و توجه حاضرين را جلب نموده و موجب اميدواری به ترقیات آتیه مدرسه بنات گردید نواقصی که در مدرسه مذبوره از حيث ضيق مكان و جهات صحی مشاهده کرده بود کتبخانم مديره مدرسه خاطر نشان کرده و اينك راپورت جامعی در جواب اداره معارف نگاشته است که سواد آنرا برای تكميل اطلاع آنمقام منع ايفاد ميدارد اميدواراست توجه مخصوصی در قسمت اخير راپورت مذبور که مربوط به بودجه سال آتیه مدرسه فوق الذكر است مبنیول فرمایند که در موقع تهیه بودجه سنه آتیه احتياجات مدرسه مذبوره نيز منظور و نواقص موجود در ظل مساعدت آنمقام منع مرتفع گردد.

محل امضاء مهدى

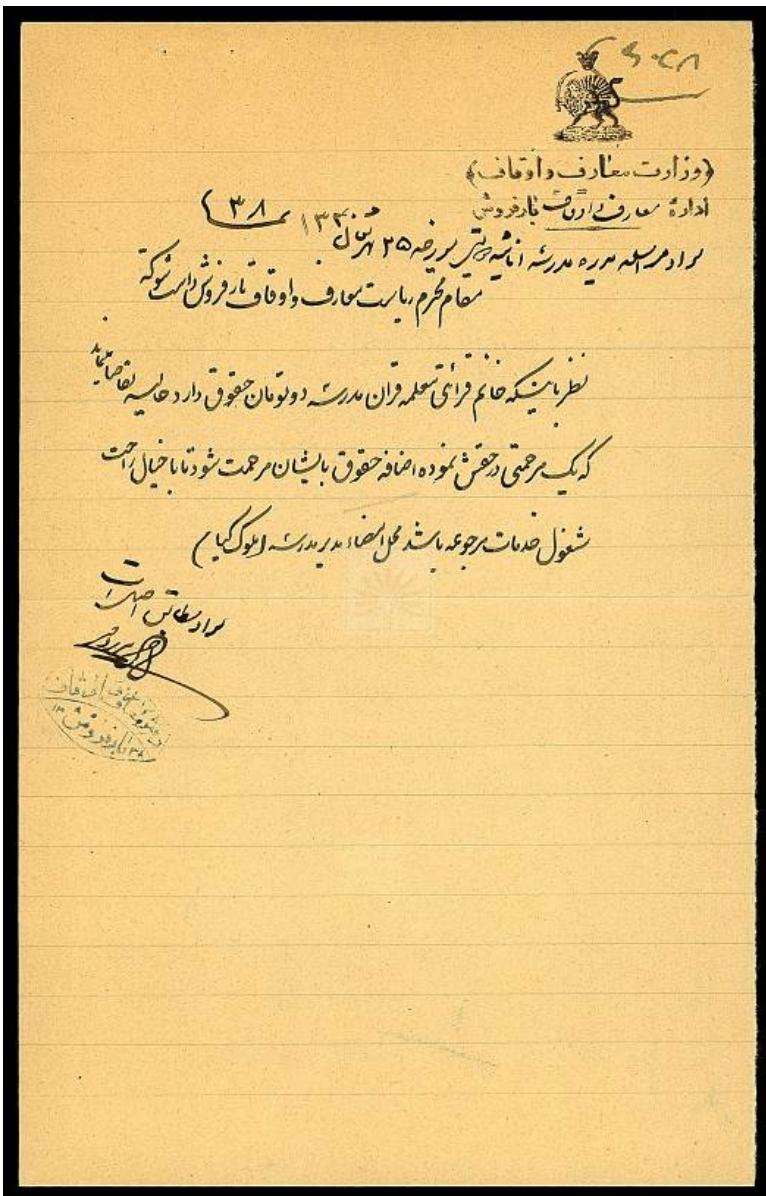
[مهر] اداره معارف و اوقاف ساری و توابع

[۲۹۷-۲۸۷۱۸]

تصویر سند شماره ۱

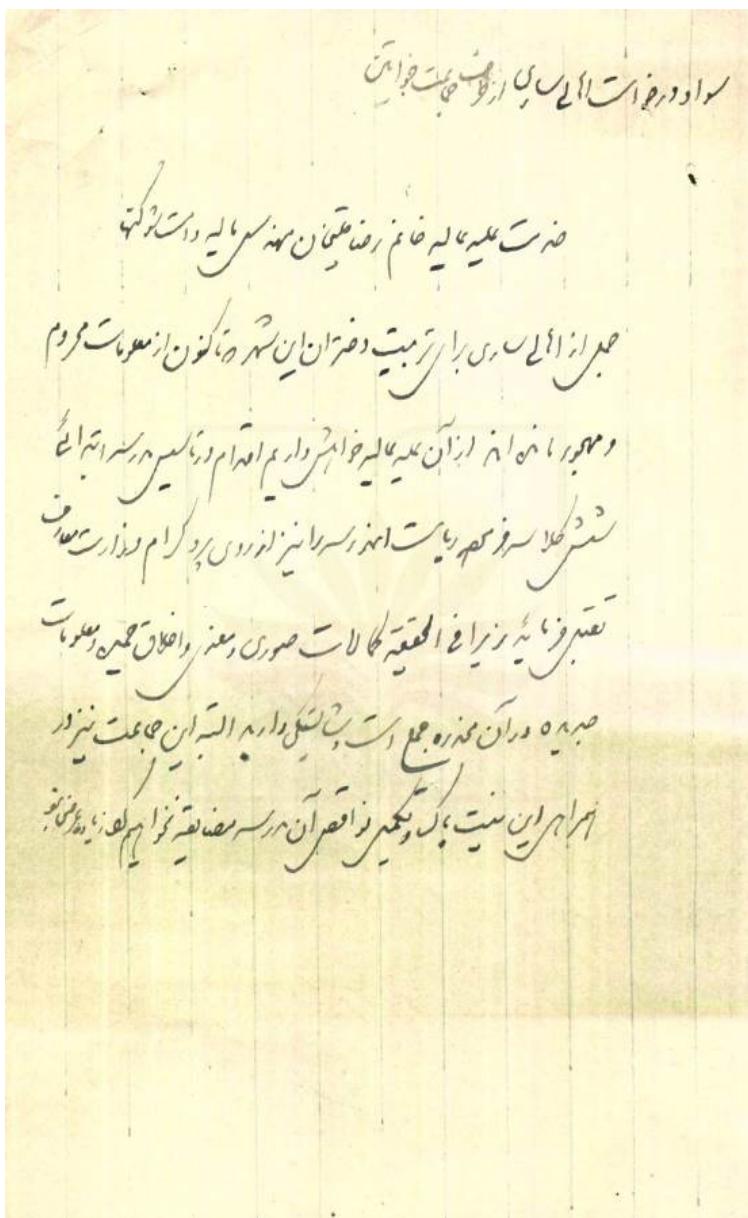


تصویر سند شماره ۲



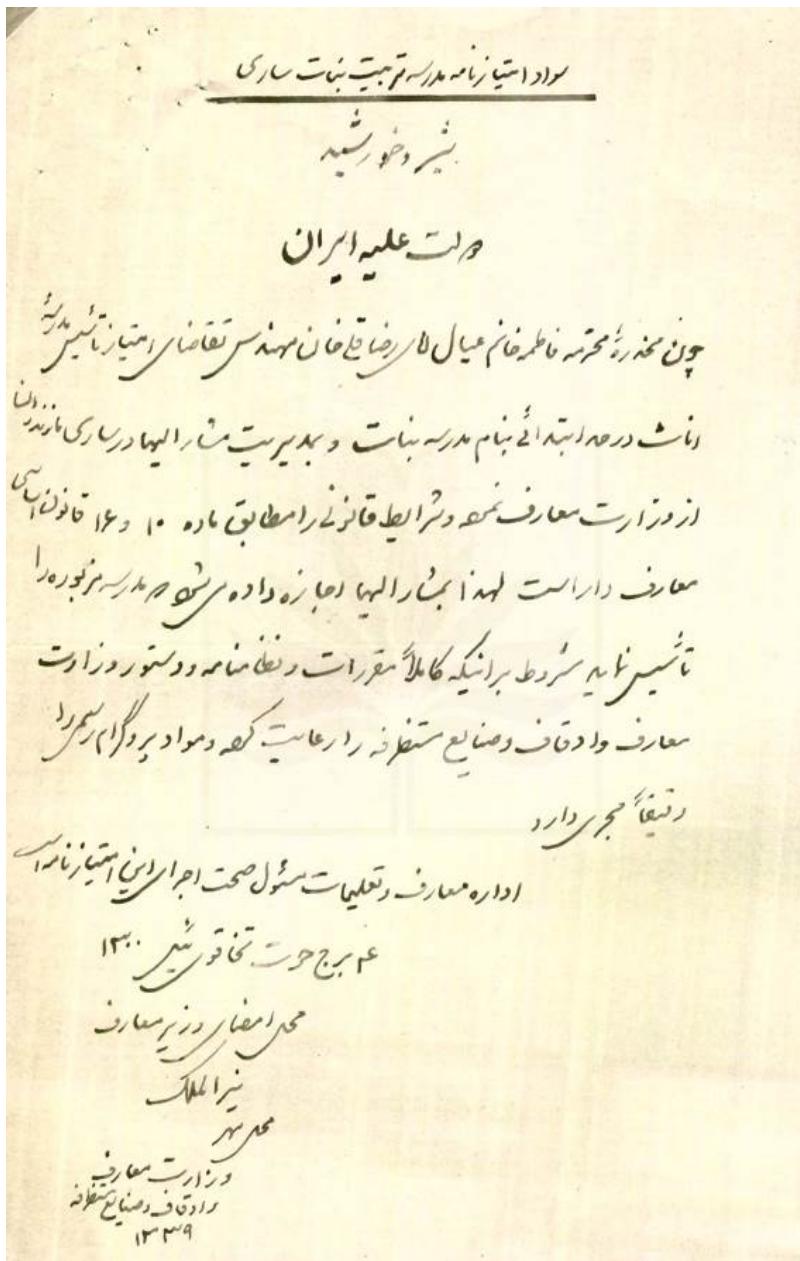
تصویر سند شماره ۳

تصویر سند شماره ۴

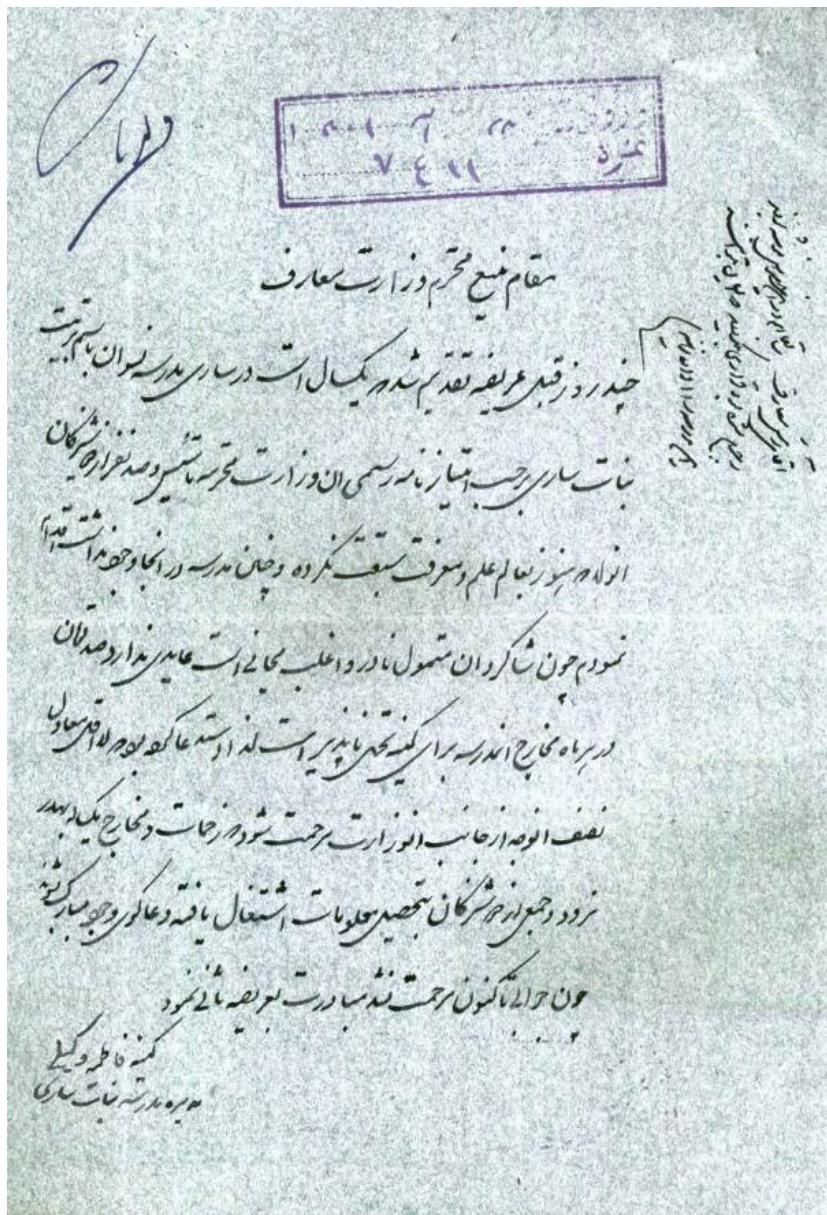


تصویر سند شماره ۵

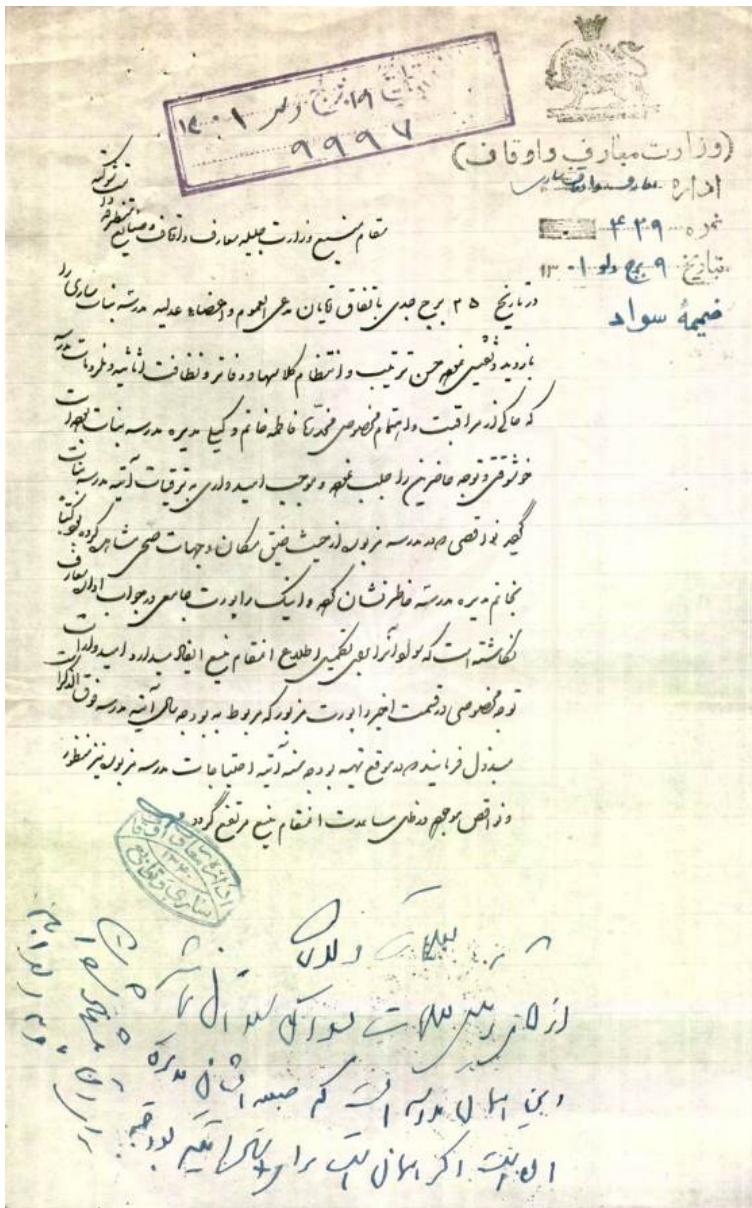
تصویر سند شماره ۶



تصویر سند شماره ۷



تصویر سند شماره ۸



منابع و مأخذ

- اسلامی، حسین (۱۳۷۲)، تاریخ دوهزار ساله ساری، قائم‌شهر: دانشگاه آزاد اسلامی.
- اعتمادی، محمدباقر (۱۳۷۵)، تاریخ آموزش و پرورش رسمی مازندران (۱۲۸۵-۱۳۷۵) اش، ج ۱، ساری: شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان مازندران [منتشر نشده].
- اعتمادزاده، حسین و علیرضا طالبی شلیمکی (۱۳۹۳)، «تاریخچه آموزشی ساری»، ساری کهن شهر مازندران، تهران: نشر چشمی.
- انصاف پور، غلامرضا (۱۳۶۳)، ایران و ایرانی به تحقیق در صد سفرنامه دوران قاجاریه، تهران: زوار.
- باغدار دلگشا، علی (۱۳۹۷)، مشروطه، زنان و تغییرات اجتماعی، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- تراوی فارسانی، سهیلا (۱۳۷۸)، استادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- ثابت، عباس (۱۵۳ بدیع [۱۳۷۵ اش/۱۹۹۵ م]), تاریخچه مدارس بنیان، دهلي نو: مرآت.
- رشدیه، شمس الدین (۱۳۶۲)، سوانح عمر، تهران: نشر تاریخ ایران.
- روزنامه حبل المتنی (۱۳۸۳)، تهیی و تنظیم عنایت‌الله رحمانی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- سالنامه آموزش و پرورش بابل (۱۳۴۴)، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- شاهور، سلی (۱۳۹۲/۲۰۱۲)، مدارس فراموش شده (پیش‌یاز و آموزش و پرورش نوین در ایران)، سوئی: نشر باران.
- شکری فومشی، محمد (۱۳۷۹)، «پیشینه آموزشی بابل»، بابل شهر پهار نارنج، تهران: نشر چشمی.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۷۵)، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: مدبیر.
- عامری، حامد (۱۳۹۴)، تجدید و قانون گرایی (اندیشه میرزا یوسف خان مستشار‌الدوله)، تهران: نگاه معاصر.
- علامه، صبح‌الدین (۱۳۷۷)، تاریخ جامع تنکابن، تنکابن: انتشارات تنکابن.
- (۱۳۳۸)، یادگار فرهنگ آمل، تهران: تابان.
- عنایتی، علی اکبر (۱۳۹۴)، مدارس جدید ساری در عصر قاجار، تهران: رسانش نوین.
- فدایی‌پور، معصومه (۷ شهریور ۱۳۹۴)، «از نخستین مدرسه ساری تا آموزش نوین در مازندران»، روزنامه همشهری.
- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷)، مدارس جدید دوره قاجاریه (پیش‌یاز و پیش‌روان)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- قلی‌پور گورزی، شهرام و یوسف الهی (۱۳۹۳)، تاریخ آموزش و پرورش بابل و بندپی، تهران: رسانش نوین.
- محبوی اردکانی، حسین (۱۳۷۸)، تاریخ مؤسسات تعلیمی جدید در ایران، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۴۳)، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی، اداری دوره قاجاریه، ج ۱، تهران: زوار.
- مهجوری، اسماعیل (۱۳۴۵)، تاریخ مازندران، ج ۲، ساری: اثر.

- (۱۳۳۹)، «تاریخ فرهنگ ساری»، نشریه فرهنگ ساری، [بی جا]: [بی نا].
- (۱۳۳۷)، «تاریخچه فرهنگ ساری»، سالنامه فرهنگ استان دوم (مازندران)، [بی جا]: چاپخانه شرکت سهامی طبع کتاب.
- میرهادی، منیرالسادات (۱۳۹۳)، تأثیر مدارس دخترانه در توسعه اجتماعی زنان در ایران، تهران: کویر.
- نبئی، ابوالفضل (۱۳۶۶)، تقویم و تقویم‌نگاری در تاریخ، مشهد: آستان قدس رضوی.
- نصری، عبدالله (۱۳۹۰)، رویارویی با تجذد، ج ۱، تهران: نشر علم.
- نیاکی، جعفر (۱۳۷۹)، بابل شهر زیبای مازندران، تهران: رامرنگ.
- وطن‌دوست، غلامرضا (۱۳۸۵)، زن ایرانی در نشریات مشروطه، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

اسناد

- سازمان اسناد ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۱۱۲-۱۰۹۷، سند شماره ۱۱۲-۰۹۷-۲۶۸۹۳، سند شماره ۱۱۲-۰۹۷-۲۲۷۸۳، سند شماره ۱۱۲-۰۹۷-۰۲۲۹۴۳، سند شماره ۱۱۲-۰۹۷-۳۶۸۳۸، سند شماره ۱۱۲-۰۹۷-۲۰۸۵۸، سند شماره ۱۱۲-۰۹۷-۱۳۷۲۶، سند شماره ۱۱۲-۰۹۷-۲۸۷۱۸، سند شماره ۱۱۲-۰۹۰-۰۲۴۱۳.